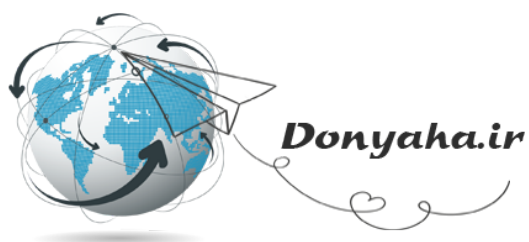


گرامر برای مکالمه زبان

انگلیسی

سعید عنایت پور



8	1. مقدمه مؤلف
10	2. این جزوه برای چه کسانی مفید است؟
11	3. معرفی علائم خاص بکار رفته در جزوه
12	4. ساختار کامل جمله (مرور سریع و ساده گرامر اجزای یک جمله)
	• فاعل
	• ضمائر فاعلی
	• فعل
	• قید مکان
	• قید زمان
	• صفت ملکی
	• مفعول
	• ضمائر مفعولی
	• صفات ملکی
	• افعال کمکی (معین)
	• حرف تعریف The
	• دو فعلیها در جمله
	• تفاوت must و have to
23	5. زمان حال ساده (حاضر ساده)
26	6. کلمات پرسشی یا استفهامی
30	7. زمان حال استمراری
33	8. زمان گذشته ساده
36	9. To Do
38	10. امری کردن فعل
42	11. زمان آینده ساده: Simple future tense
44	12. ربط دو جمله
47	13. دو کلمه tell & say
48	14. قیود زمان
50	15. حرف تعریف
53	16. ضمائر ملکی

54	17. حالت اضافی و یا مالکیت دو اسم :
55	18. ترجمه «از» به انگلیسی
58	19. « زمان آینده استمراری » Future Continuous Tense
61	20. تطابق زمانها: Sequence of tenses
62	21. «Used to»
66	22. « ضمیمه های سؤالی » Question tag
69	23. جلوگیری از تکرار اسم Avoid Repetition
71	24. جلوگیری از تکرار جمله The additions
73	25. در آینده CAN →
73	26. در آینده MUST →
74	27. در آینده WANT →
76	28. Some & any
78	29. ضمایر نیمه مجهول
82	30. دو ملکیتی ها
84	31. حالات ملکی: possessive forms
85	32. ربط دو جمله: Putting two sentences together
86	33. جملات دو سؤالی
87	34. Reflexive pronouns (self) ضمایر انعکاسی
89	35. Here & There
92	36. بحث « it »
94	37. صرف یک فعل در 16 زمان
95	38. « حروف اضافه مکان »
100	39. حال کامل (ماضی نقلی) :
106	40. « ماضی بعید » (گذشته کامل)
108	41. آینده کامل استمراری
109	42. گذشته کامل استمراری
111	43. صفت adjective
115	44. The same as
118	45. قید adverb
123	46. کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار هستند: intensifiers (very, too, enough)
127	47. Such
129	48. گسترش جمله با too و enough
130	49. «دیگر» «Other»
136	50. ضمایر موصولی Relative Pronouns

141	51. جملات گذشته حدسی و گذشته غیر واقعی
145	52. آینده کامل
146	53. جملات شرطی Conditionals
149	54. Otherwise « والا »
150	55. « Wish » کاشکی - ای کاش
151	56. کلمات معادل if
151	57. وقتش است که « It is time »
152	58. حذف IF
153	59. Unless
154	60. Would rather
156	61. as if – as though
157	62. « in Case » (مبادا نکنه)
158	63. Both
159	64. active & passive voice : حالت معلوم و مجهول
	• صفت فاعلی
	• صفت مفعولی
	• مصدر مجهول
	• طریقه تبدیل یک جمله معلوم به مجهول
	• زمان هایی که قابل تبدیل به مجهول هستند
	• تبدیل یک جمله سئوالی معلوم به سئوالی مجهول
	• تبدیل یک جمله سئوالی معلوم که با کلمه پرسشی شروع شده باشد به مجهول
	• جای قیدها در جملات مجهول :
	• مجهول کردن جملاتی که دارای دو مفعول هستند.
	• مجهول کردن جمله هایی که فعل حسی و حرکتی دارند.
	• مجهول کردن فعل امر
170	65. جملات سببی یا وجه سببی :
171	66. مجهول جملات سببی
172	67. نقل قول reported speech
173	68. نقل قول غیر مستقیم Indirect speech
	• تبدیل یک نقل قول مستقیم خبری به غیر مستقیم .
	• فعل گزارشگر در نقل قول خبری
	• تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی به غیر مستقیم
	• طریقه تبدیل نقل قول مستقیم سئوالی که با کلمه پرسشی شروع نشده به غیر مستقیم:
	• طریقه تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی مثل جمله زیر به صورت غیر مستقیم.
	• تبدیل نقل قول مستقیم امری به غیر مستقیم :

• تغییر اصطلاحات زمان و مکان در نقل قول غیر مستقیم :

• طریقه تبدیل نقل قول مستقیم تعجبی به غیر مستقیم :

181

69. اسم مصدر (gerund)

184

70. فعلهایی که می توان بعد از آنها اسم مصدر به کار برد و هم مصدر با to

مقدمه مؤلف :

با پیشرفت سریع علم و تکنولوژی و از آنجا که در حال حاضر قسمت بسیار زیادی از کتابها و نشریات علمی و مطالب روی اینترنت به زبان انگلیسی تهیه میشوند و با توجه به نیاز غیر قابل انکار دانش آموزان، دانشجویان و محققین به زبان انگلیسی، یادگیری این زبان در بین زبانهای خارجی امری بدیهی و اجتناب ناپذیر می باشد. حتی اگر یادگیری کامل این زبان غیر ممکن باشد بسته به سطح نیاز، هر شخص میتواند تا حد لازم آنرا یاد بگیرد. به قول معروف، آب دریا را اگر نتوان کشید، هم بقدر تشنگی باید چشید.

اولین گام در جهت آموزش زبان، یادگیری گرامر میباشد. خوشبختانه کتابهای بیشماری در زمینه زبان انگلیسی و سایر زبانها در کشورما وجود دارد. نکته شایان ذکر در مورد این جزوه اینست که مطالب از سطح بسیار ساده شروع شده و گرامر تا سطح بالایی آموزش داده میشود لذا برای افراد مبتدی بسیار مناسب بوده و افرادی که قبلا انگلیسی را به خوبی آموزش دیده اند میتوانند از این مطالب به عنوان یک مجموعه کامل گرد آوری شده جهت مرور آنچه از قبل میدانند استفاده کنند. وجه تمایز این جزوه با سایر جزوات گرامر موجود اینست که روند کار به نحوی طراحی شده که در انتها، خواننده مبتدی به آسانی انگلیسی را مکالمه کند و خواننده قویتر بهبود چشمگیری در مکالمه خود احساس نماید.

تفاوت دیگری که خواننده در حین مطالعه این جزوه درخواهد یافت اینست که، به عنوان مثال آموزش زمانها که غالبا کار مشکلی میباشد در این جزوه به نحوی ارائه شده است که در چند مرحله در جاهای مختلف بیان شده تا باعث خستگی خواننده نشود. لذا دروسی مثل زمانها یا درس قید، نه به طور تکراری بلکه با روندی پیشرفتی در چند مرحله در طول جزوه بیان شده اند.

ساختار اصلی جزوه از موارد آموزش داده شده در آموزشگاههای زبان تهران گرفته شده است و در طول سالیان مواردی به آن توسط مؤلف اضافه شده است و اصلاحاتی توسط دوستان در آن انجام شده است. لازم به ذکر است، از آنجا که هیچ اثر انتشاراتی یا علمی بدون اشتباه نمی باشد در این جزوه هم ممکن است مواردی از اشتباه به چشم بخورد که مؤلف از خوانندگان محترم استدعا دارد که این موارد را به همراه نظرات ارزشمندتان به اطلاع وی برسانید.

در آخر از پدر عزیزم که تلاش فراوانی برای نهادن سنگ بنای آموزش زبان و فراهم آوری امکان یادگیری زبان انگلیسی و مادر عزیزم بخاطر ایجاد انگیزه و شوق در یادگیری زبان تشکر فراوان می نمایم.

از همسر گرانقدرم که چند سالی را در آموزش زبان خارجی صرف نموده و در اصلاح بسیاری از موارد این جزوه و ارائه نکات بسیار مهمی در مورد نحوه ارائه مطالب کمک نمود کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

دوست گرانقدرم آقای مهندس نادر فنائی که تجربه زیادی در زمینه تدریس و نشر کتاب داشته و خود، مؤلف چندین کتاب در زمینه مهندسی عمران می باشد در تایپ و تهیه و ارائه مطالب متقبل زحمات فراوانی شد. بدون اغراق بدون قبول این کار داوطلبانه توسط وی ارائه این اثر هرگز مقدور نبود.

همچنین از استاد ارجمندم جناب آقای رضا وحدانی که از بهترین اساتید زبان انگلیسی اینجانب در سالهای گذشته می باشند و مهمترین عنصر یادگیری یعنی عشق و علاقه به یادگیری را به همه دانش آموزان از جمله من آموزش داده است نهایت تشکر را دارم.

در نهایت با کمال خرسندی:
این اندک هدیه آموزشی تقدیم میشود به :

شما خواننده محترم

سعید عنایت پور
بهار 1383

این نسخه اینترنتی رایگان، فقط به منظور استفاده علاقه مندان به یادگیری گرامر و کمک به تسهیل آموزش مکالمه زبان انگلیسی تهیه شده است و هیچگونه منفعت مالی در این راه مد نظر نمیباشد. لطفا در صورتی که مطالب جزوه برایتان مفید بود اصل فایل یا لینک آنرا به دوستان خود نیز بفرستید.

نظرات و پیشنهادات اصلاحی خود را لطفا به آدرس پست الکترونیکی enayatpour@ce.uta.edu

این جزوه برای چه کسانی مفید است؟

موارد این جزوه برای گروههای زیر مفید می باشد.

دانش آموزان دوره راهنمایی، دبیرستان، داوطلبین کنکور سراسری، داوطلبینی که قصد امتحان TOEFL، MCHE، IELTS، یا سایر امتحانات مشابه را دارند، افرادی که قصد مصاحبه دارند و در نهایت فارسی زبانانی که نیاز به مکالمه زبان انگلیسی به شکل صحیح دارند.

معرفی علائم خاص بکار رفته در جزوه:

نکات کمی پیشرفته تر: برای افرادی که قصد یادگیری این نکات را دارند مثلاً داوطلبانی که قصد امتحان IELTS، TOEFL یا سایر امتحانات مشابه را دارند. یادگیری این نکات به داوطلبین کنکور سراسری توصیه نمیشود. این نکات در داخل کادر رنگی نوشته شده اند.

نکات کمی پیشرفته تر: برای افرادی که قصد یادگیری این نکات را دارند مثلاً داوطلبانی که قصد امتحان IELTS، TOEFL یا سایر امتحانات مشابه را دارند. یادگیری این نکات به داوطلبین کنکور سراسری توصیه نمیشود. این نکات در داخل کادر رنگی نوشته شده اند.



تمرین جهت یادگیری بیشتر: پس از اکثر درسها

جملات فارسی جهت ترجمه آورده شده است که

تمرین بسیار خوبی جهت یادگیری درس میباشد.



نکاتی که نیاز به تمرین و تکرار شفاهی دارند:

بدون شک همه موارد آموزشی نیاز به تمرین جهت

یادگیری دارند. در این جزوه مواردی که نیاز به تکرار

بیشتری دارند با این علامت معرفی شده اند.

بنام خدا

تعریف جمله: جمله در زبان انگلیسی به یک فرمول نوشته می شود آنهم به فرمول زیر

قید زمان + قید مکان + مفعول + فعل + فاعل

تعریف فاعل: کننده کار را فاعل می گویند که فاعل می تواند به صورت ضمیر یا اسم بکار رود، مثل علی آمد، که

میتوانیم بنویسیم او آمد. او ضمیر فاعلی است.

ضمایر فاعلی عبارتند از:

مفرد	جمع
<i>I</i> → من	<i>we</i> → ما
<i>you</i> → تو	<i>you</i> → شما
<i>he</i> → او <i>she</i> → او <i>it</i> → آن	<i>they</i> → آنها

تعریف فعل: کاری را که فاعل انجام میدهد. برای تبدیل فعل به مصدر در زبان فارسی (ن) در آخر فعل به کار

می رود. معادل با (ن) در فارسی، در انگلیسی *to* به کار می رود.

to ⇒ ن ⇒ مصدر → فعل

to see ⇒ *I see*

You see

They see

قید مکان: محل انجام گرفتن فعل را قید مکان گویند.

در خانه at home در کلاس in the class اینجا here در مدرسه at school آنجا there

قید زمان: زمان انجام گرفتن فعل را قید زمان گویند.

یک روز در میان every other day دیروز yesterday هر روز every day امروز today

روزهای فرد on odd days روزهای زوج on even days

صفت ملکی: صفاتی هستند که همراه اسم می آیند و بدون اسم معنی ندارند و مالکیت را می رسانند. در زبان

فارسی صفت بعد از اسم می آید ولی در زبان انگلیسی صفت قبل از اسم می آید.

خواص صفت در انگلیسی:

1- قبل از اسم می آیند

2- اسم را محدود می کنند

3- با اسم بعد از خودش هیچگونه موافقتی ندارد بجز صفت‌های *this* و *that* که بسته به اسم بعد، جمع یا مفرد

خواهند شد:

this → *these*

this book ^{PL}→ *these books*

that → *those*

that car ^{PL}→ *those cars*

مفعول: مفعول کسی یا چیزی است که فاعل بر روی آن کاری را انجام می دهد.

مثال: حسن علی را دید. Hassan saw **Ali**

حسن او را دید. Hassan saw **him**

ضمایر مفعولی عبارتند از:

مفرد	جمع
me به من - مرا	us به ما - ما را
you به تو - تو را	You به شما - شما را
him به او - او را	them به آنها - آنها را
her به او - او را (زن)	
it به آن - آنرا	

صفات ملکی عبارتند از:

مفرد	جمع
my مال من	our مال ما
your مال تو	your مال تو
his مال او	their مال آنها
her مال او	
its مال آن	

افعال کمکی (معین): افعالی هستند که بین فاعل و فعل اصلی می آید و بعد از آنها to نمی آید به جز در

used to و ought to.

مثال: ممکن بودن may باید should باید must توانستن can

خاصیت های افعال کمکی:

1- بین فاعل و فعل اصلی می آیند

2- با جابجا شدن، باعث تغییرات در جمله می شوند یعنی افعال کمکی با رفتن به اول جمله، جمله را

سؤال می کنند در زبان فارسی برای سئوالی کردن جمله سه علامت (آیا - مگر - لحن) را به اول جمله

می برند و جلوی جمله علامت سؤال می گذارند ولی در انگلیسی برای سئوالی کردن افعال کمی را به

اول جمله می برند اگر جمله فعل کمکی نداشت از فعل کمکی do و does استفاده می کنیم.

سؤال در فارسی	سؤال در انگلیسی	
آیا مگر لحن	Can you go?	میتوانی بروی؟
	Can you?	
	You can?	
من می توانم برم I can go		

تذکر: همیشه I و we به you تبدیل می شوند مثال: $I \text{ am} \rightarrow \text{are you} ?$

3- در زبان فارسی اگر بخواهیم جمله ای را منفی کنیم به آن (ن) اضافه می کنیم ولی در زبان انگلیسی برای منفی

کردن به افعال کمی، (not) اضافه می کنیم و بهتر است آنها را به شکل مخفف بنویسیم.

تذکر مهم: اشکال **am not** و **may not** مخفف نمی شوند.

$Can \text{ not} \rightarrow Can't$

$will \text{ not} \rightarrow won't$

$must \text{ not} \rightarrow mustn't$

$Shall \text{ not} \rightarrow Shan't$

$is \text{ not} \rightarrow isn't$

$are \text{ not} \rightarrow aren't$

am not → am not

may not → may not

4- سئوالی منفی کردن افعال کمکی:

روش اول: افعال کمکی مخفف شده را به اول جمله می بریم.

روش دوم: اگر فعل کمکی not مخفف نشده باشد فعل کمکی را به اول جمله برده و not را هم سر جایش قرار می دهیم.

You can't go → can't you go?

You can not go → can you not go?

آیا
مگر
لحن
نمیتوانی بروی؟

جدول افعال کمکی:

افعال کمکی	معنی	مشتقات	معنی
To be(am-is-are)	بودن	was-were	بودن
Have	داشتن	Has-had	-
Do	انجام دادن	Does-did	-
could	توانستن	can	توانستن
Shall	علامت آینده	Should	علامت آینده
Will	علامت آینده	Would	علامت آینده
May	ممکن بودن	Might	ممکن بودن
Must	باید	Had to	باید
ought to	باید		

Used to	سابقاً
need	احتیاج داشتن
Dare	جرأت داشتن
Would rather	ترجیح دادن
Had better	بهبتره

The:

حرف تعریف بوده و دارای سه معنی است، (را - که - کسره)

I eat apple.

I eat the apple.

I eat the apple which is red.

در جمله اول " من سیب می خورم"، سیب نا مشخصی خورده میشود. در جمله دوم " من سیب را می خورم"،

سیب مشخص می شود یا به عبارتی تعریف می شود. . در جمله سوم " من سیب قرمز را می خورم یا من سیبی را

که قرمز است، می خورم"، سیب مشخص تر می شود یا به عبارتی، دقیقتر تعریف می شود.

دو مصدر استثنایی: در انگلیسی دو مصدر داریم که استثنائی هستند یعنی با فاعلهای مختلف به شکلهای گوناگون

در می آیند اگر پس از صرف کردن، در داخل این جملات افعال کمکی بکار ببریم به مادر خود بر می گردند یعنی

am-is-are به be بر می گردد دومین مصدر to have است که با فاعلهای مختلف در بعضی جاها به شکلهای

دیگر در می آید و اگر در آنها افعال کمکی بکار ببریم به شکل مادر خود بر می گردند.

I have → I can have
you have → you can have
They have → They can have
We have → we can have
She has → she can have

I am → I must be
You are → You can be
He is → he must be

Have
 → to have
 Has

Am
 Is → Be
 are



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- نمیتوانی به من هر روز اینجا کمک کنی؟
- 2- آیا نباید به ما ساعت 2 یک روز در میان در اینجا درس بدهی؟
- 3- آیا من بد اخلاق نیستم؟
- 4- آیا آنها درس نمی خوانند هر روز اینجا؟
- 5- آیا تو هر روز به معلم گوش نمی دهی؟
- 6- من میتونم مؤدب باشم توی کلاس؟
- 7- پدرم باید در خانه مهربان باشد.
- 8- خواهرهایم ممکن است تنبل باشند.
- 9- والدینشان میتوانند اینجا باشند.
- 10- پدرم میتواند نهار بخورد.
- 11- او ممکن است یک ماشین داشته باشد.

پاسخ :

1. Can't you help me here every day?
2. Mustn't you teach us here every other day at 2 o'clock?
3. Am I not bad tempered?
4. Don't they study here every day?
5. Don't you listen to the teacher every day?
6. Can I be polite in class?
7. My father must be kind at home.
8. My sisters may be lazy.
9. Their parents can be here.
10. My father can have lunch.
11. He may have a car

بسیار مهم

"دو فعلیها در جمله و طرز بکار بردن دو فعلیها در جمله":

- 1- اگر در جمله دو فعل اصلی بیاید بین دو فعل اصلی علامت (to) بکار می بریم و
- 2- اگر در جمله یک فعل کمکی و یک فعل اصلی بیاید to لازم نیست بجز دو فعل ought to و (سابقاً : used to). اگر فعلهای ما از مصدر To be باشد یعنی (am-is-are) و یا از مصدر To have یعنی has و have (to). اگر فعلهای ما از مصدر To be باشد یعنی (am-is-are) و یا از مصدر To have یعنی has و have (to). وقتی که در جمله افعال قصدی را بکار می بریم (am-is-are و have-has) به مادر خود یعنی به (have , be) تبدیل می شوند.

افعال قصدی عبارتند از:

want	خواستن	pretend	وانمود کردن
like	دوست داشتن	refuse	امتناع کردن
would like	مایل بودن	plan	قصد داشتن
hope	امیدوار بودن	decide	تصمیم گرفتن
wish	آرزو داشتن	intend	قصد داشتن

try	سعی کردن	be going to	قصد داشتن
promise	قول دادن	hate	متنفر بودن
prefer	ترجیح دادن	dislike	متنفر بودن

تفاوت must و have to :

I **must** go

(تاکید زیاد) من حتماً **باید** بروم

I **have to** go

من **مجبورم** بروم

$$\left. \begin{array}{l} must \\ have\ to \\ has\ to \end{array} \right\} \text{ (باید - مجبور بودن)}$$

تذکر: با توجه به مطلب فوق گذشته فعل must ، had to میباشد.

تذکر: اگر بعد از have ، has اسم بیاید معنی داشتن و خوردن دارد.

I will **have** my lunch.

من ناهارم را **خواهم خورد**.

She **has** a book.

او یک کتاب **دارد**.

$$\left\{ \begin{array}{l} have \\ has \end{array} \right. + \text{اسم} \rightarrow \text{داشتن و خوردن}$$

تذکر: اگر بعد از have ، has (to) بیاید معنی مجبور بودن را دارد.

$$\begin{array}{l} have \\ has \end{array} + to \rightarrow \text{مجبور بودن}$$



تمرین جملات فارسی:

الف) جمله مثبت، سئوالی، منفی و منفی سئوالی جملات زیر را بنویسید؟

- 1- آنها می خواهند به معلم گوش بدهند هر روز.
- 2- من باید انگلیسی صحبت کنم هر روز.
- 3- شما می خواهید مؤدب باشید اینجا.
- 4- او دوست دارد یک ماشین داشته باشد.
- 5- ما تصمیم داریم امسال زرنگ باشیم.

پاسخ :

1. They want to listen to the teacher every day.
 - Do they want to listen to the teacher every day?
 - They don't want to listen to teacher every day.
 - Don't they want to listen to teacher every day?
2. I must speak English every day.
3. You want to be polite here.
4. He likes to have a car.
5. We decide to be clever this year.

ب) جملات زیر را توسط فعل داخل پرانتز اصلاح نمایید.

1. They Study engineering (Plan: داشتن)
2. Most students succeed (want)
3. We understand the lesson. (Pretend: وانمود کردن)
4. I work hard. (Promise)
5. Most of the people fact/tell the truth. (refuse)
6. You are very successful. (can)
7. They practice sentence patterns (must)
8. Many students ask questions (may)
9. We are polite. (Ought to)
10. I dine with you. (would like)
11. We play football. (prefer)

1. They Plan to Study engineering
2. Most students want to succeed.
3. We pretend to understand the lesson.
4. I promise to work hard.
5. Most of the people refuse to fact/tell the truth.
6. You can be very successful.
7. They must practice sentence patterns.

8. Many students may ask questions.

May they not ask questions?

May not they ask questions?

سؤالی

منفی

9. We ought to be polite.

سؤالی → Ought you to be polite? Are you ought to polite?

منفی → You ought not to be polite. You aren't ought to polite.

منفی سؤالی → Ought you not to be polite? aren't you ought to polite?

10. I would like to dine with you.

11. We prefer to play football.

زمان حال ساده (حاضر ساده) Simple Present Tense

زمان حال ساده: کاری است که به صورت عادت و تکرار انجام می شود.

طرز ساخت: اگر to ی مصدری را برداریم و به جای آن فاعل بگذاریم فعلی که به دست می آید زمان حال ساده یا حاضر ساده است. در سوم شخص یعنی (it-she-he) به آخر فعل (ies-es-s) اضافه می شود.

نشانه های حال ساده :

1- وجود s در سوم شخص مفرد در آخر فعل مثل :

He works/she eats/it runs

2- وجود es در آخر فعل در سوم شخص مفرد

تذکر: افعالی که به z,o,x,ch,sh,s ختم می شوند در سوم شخص مفرد es می گیرند مثل:

Washes/buzzes/Watches/fixes/misses/mixes

3- افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حرف صدادار "a,e,i,o,u" داشته باشد در سوم شخص فقط s

می گیرد.

play → سوم شخص مفرد → Plays

افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حرف صدادار نداشته باشد در سوم شخص y را برمی داریم و به جای

آن در سوم شخص مفرد i و سپس es می گذاریم .

Carry → carries

Study → studies

4- وجود قیود زمان مثل :

every + زمان

یا

each + زمان

during + قید زمان (during the day در طول روز)

every other + زمان (every other week یک هفته در میان)

5- وجود قید تکرار مثل :

ever – never – always – usually – often – sometimes

They never play golf.

6- با حقایق دنیا و یا چیزهایی که قبلاً اثبات شده است، جمله زمان حاضر ساده است.

The sun sets in the west.

خورشید در غرب، غروب می کند .

تذکر مهم : تغییرات در حاضر ساده یا حال با دو فعل کمکی do, does انجام می شود.

بسیار مهم : does (s پران – es پران – ies پران است و doesn't هم همین طور)

تکراری از قبل : قیود مکان همیشه قبل از قیود زمان می آیند.

He goes to school every day.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- او به مدرسه می رود هر روز
- 2- معلم کمک می کند به ما در کلاس ساعت 2 روزهای زوج
- 3- پدرم درس می خواند در خانه روزهای فرد
- 4- پدرش می خواهد کمک کند به آنها اینجا هر روز

پاسخ:

1. He goes to school every day.
2. The teacher helps us in the class at 2 o'clock on odd days.
3. My father studies at home on even days.
4. His father wants to help them here every day

Question Words.

کلمات پرسشی یا استفهامی.

- 1- اگر **فاعل** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی: **who** چه کسی
- 2- اگر **مفعول** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی: **whom** کی را، چه کسی را
- 3- اگر **فاعل و مفعول** ما **غیر شخصی** باشند از کلمه پرسشی: **what** چه چیز
- 4- اگر **قید مکان** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی: **where** کجا
- 5- اگر **قید زمان** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **when** چه وقت- کی
- 6- اگر **تعداد** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how many** چه تعداد
- 7- اگر **مقدار** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how much** چه مقدار
- 8- اگر **حالت و چگونگی** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how** چگونه
- 9- اگر **وقت و رأس ساعت** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **what time** چه ساعت
- 10- اگر **مدت و زمان** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how long** چه مدت
- 11- اگر **دفعه و بار** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how often** چند دفعه
- 12- اگر **صفات ملکی** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **whose + اسم** برای چه کسی است
- 13- اگر **an, a** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی.
- 14- اگر **the + صفت و یا اسم + that, this, those, these** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **which** کدام.
- 15- اگر **حالت و دلیل** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **why** چرا
- 16- اگر **سن** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how old** چند ساله
- 17- اگر **مسافت** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how far** چه مسافتی
- 18- اگر **قد و اندازه** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how tall** چه قد و اندازه ای
- 19- اگر **سرعت** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how fast** چه سرعتی
- 20- اگر **رنگ چیزی** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **what color** چه رنگی

کلمات پرسشی دارای سه قانون هستند: (wh questions)

قانون 1- به اول جمله می آیند . جمله را سوالی می کنند و حتماً بعد از آن افعال کمکی می آیند :

Where	}	+	<u>do</u> you work?
When			
How			
Why			
What time			
How often			
How fast			

I can answer → Can you answer?

Why can you answer?

When can you answer?

How fast can you answer?

قانون 2- اگر کلمات پرسشی وسط جمله بیایند جمله را از حالت سوالی خارج می کنند یعنی بعد از کلمه

پرسشی فاعل می آید.

Where do you go? → I know **where** you go

من میدونم کجا می ری

Why don't they study → I know **why** they don't study

من می دونم چرا آنها مطالعه نمی کنند

I am sure **why** he is happy

من مطمئنم که چرا او خوشحال است

قانون 3- کلمات استفهامی می توانند به جای سوم شخص بشینند و مثل سوم شخص مفرد عمل کنند یعنی به

آخر فعل s و یا es و یا ies اضافه شود .

He works

او کار می کند

Who works?

چه کسی کار میکند ؟

Whose brother works?

برادر کی کار می کند ؟

Which teacher works?

کدام معلم کار می کند؟

What kind of student works?

چه نوع دانش آموزی کار می کند ؟



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من میدونم کجا فوتبال بازی میکنی هر روز ساعت 2 :
- 2- من نمی دونم چرا شاگردها درس نمی خوانند در مدرسه
- 3- من مطمئنم چرا آنها خسته هستند
- 4- آیا می دونی برادر کی می خواد صحبت کند انگلیسی ؟
- 5- من مطمئن نیستم چرا آنها تنبل هستند در کلاس.

پاسخ:

1. I know where you play football every day at 2 o'clock.
2. I don't know why the students don't study at school.
3. I am sure why they are tired.
4. Do you know whose brother wants to speak English?
5. I am not sure why they are lazy in class.

جملات از نوع have to



تمرین جملات فارسی (جملات از نوع have to) :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

6- آنها مجبورند انگلیسی صحبت کنند در کلاس

7- پسر مجبوره مؤدب باشه در کلاس هر روز

8- دخترها مجبورند اینجا باشند روزهای فرد

9- او مجبوره فوتبال بازی کنه یک روز در میان

10- علی مجبوره خوشحال باشه در کلاس

پاسخ:

6. They have to speak English in class.

7. The boy has to be polite in class every day.

Does the boy have to be polite in class every day?

سوالی

The boy doesn't have to be polite in class every day.

منفی

8. The girls have to be here on even days.

Do the girls have to be here on even days?

سوالی

9. He has to play football every other day.

Does he have to play football every other day?

مثبت

سوالی

He doesn't have to play football every other day.

منفی

Doesn't he have to play football every other day?

سوالی منفی

10. Ali has to be happy in class

Does Ali have to be happy in class?

سوالی

آینده کامل استمراری

تعریف: زمان آینده کامل استمراری دلالت بر انجام عملی می کند که از یک زمانی شروع شده و تا آینده به طور استمرار انجام گیرد.

طرز ساخت در زبان فارسی: اگر (تا + قید زمان آینده) را به همراه (طول مدت زمان + است) را به جملات زمان حال استمراری اضافه کنیم زمان آینده کامل استمراری بدست می آید. طبق فرمول زیر:

(by) تا + قید زمان آینده + طول مدت زمان + (For) است + زمان حال استمراری ← آینده کامل استمراری

طرز ساخت در زبان انگلیسی: برای ساختن زمان آینده کامل استمراری در زبان انگلیسی باید از فرمول زیر استفاده کرد.

قید زمان آینده + by + طول مدت زمان + for + ing + verb + will have been + Subject

مثال: تا ساعت 8 دو ساعت است داریم درس می خوانیم .

We will have been studying for two hours by eight o'clock.

مثال: تا ماه آینده 10 سال است که داریم در تهران زندگی می کنیم .

We will have been living in tehran for ten years by next month.

تغییرات: کلیه تغییرات در زمان آینده کامل استمراری به عهده فعل کمکی Will می باشد.

نشانه ها: نشانه این زمان عبارتست از:

By + قید زمان آینده

گذشته کامل استمراری

تعریف : این زمان دلالت بر انجام عملی می کند که از یک گذشته ای شروع و تا گذشته دیگر به صورت استمرار انجام گرفته باشد.

طرز ساختن در زبان فارسی : اگر طول مدت زمان به همراه کلمه "بود" را به جملات گذشته استمراری اضافه کنیم زمان گذشته کامل استمراری به دست می آید.

طول مدت زمان + (For) بود + گذشته استمراری ← گذشته کامل استمراری

طرز ساختن در زبان انگلیسی : برای ساختن زمان گذشته کامل استمراری در زبان انگلیسی باید از فرمول زیر استفاده کنیم.

فاعل + before/when + طول مدت زمان + Subject + had been + verb + ing

فعل گذشته ساده +

مثال:

1- وقتی که تو او مدی نیم ساعت بود که داشتم درس می دادم.

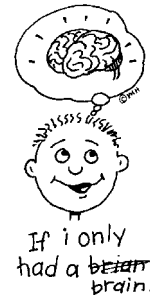
I had been teaching for half an hour when you came.

2- قبل از اینکه تو تلفن بزنی دو ساعت بود داشتم آشپزی می کردم.

I had been doing the cooking for two hours before you called.

تغییرات : کلیه تغییرات در زمان گذشته کامل استمراری به عهده فعل کمکی **had** می باشد.

نشانه های این زمان : نشانه های این زمان می تواند **before, when** باشد.



talkative : پر حرف

crowded : شلوغ

intelligent : با هوش

taciturn : کم حرف

ugly : زشت

rich : ثروتمند

considerable : چشمگیر - قابل ملاحظه

صفت adjective

صفت حالت و چگونگی اسم را توصیف می کند و در فارسی معمولاً بعد از اسم و در انگلیسی معمولاً قبل از

اسم به کار می رود. مثلاً:

careful student . دانش آموز دقیق

صفت می تواند به صورت یک یا دو یا چند کلمه قبل از اسم قرار گیرد، مثلاً

my new green book. کتاب سبز جدیدم

نکته: اگر صفت به بعد از اسم انتقال یابد و منتقل شود باید بلافاصله فعلهای ربطی زیر به کار رود.

صفت + to be + اسم

صفت + to get + اسم

صفت + to turn + اسم

صفت + to become + اسم

صفت + to grow + اسم

صفت + to make + اسم

این افعال که به معنی (بودن - شدن - گشتن - گردیدن) هستند جنبه فعل ربط دارند که به آنها link

verb می گویند که ربط یک صفت را به یک اسم می دهد مثل:

My father grew angry .

In spring the leaves turn green در بهار برگها سبز می شوند.

Today the weather got cold . امروز هوا سرد شد.

تذکر: البته فعلهای ربطی دیگر نیز وجود دارد که به معنی (به نظر رسیدن هستند.) .

صفت + Seem / Appear/ Look/ Sound/ Taste / Smell / Feel

تذکر : باید دانست که بعد از فعل های ربطی هیچگاه قید به کار نمی رود مثلاً:

he looks(~~angrily~~) angry. او عصبانی به نظر می رسد .

the soup tastes (~~unusually~~) unusual. سوپ غیر طبیعی به نظر می رسد.

صفت به صورت جمع به کار نمی رود تنها دو صفت اشاره **this, that** با اسم بعد از خود در مفرد و جمع مطابقت می کند.

مثال:

This book → These books .

That book → Those books .

درجه صفات : صفات از نظر مقایسه دارای سه درجه مقایسه هستند . به شرح زیر :

1- درجه مطلق یا برابر : دو اسم را مقایسه می کنند و آنها را برابری شناسند مثلاً :

Helen is as tall as Susan. هلن هم قد سوزان است .

ساختمان این درجه از مقایسه بدین شرح است :

as	صفت	as
not so	صفت	as

Hellen is **as tall as** Susan.

Hellen is **not so tall as** Susan.

2-درجه برتر یا (تفضیلی) : دو اسم را مقایسه می کند اما یکی را بهتر یا بدتر معرفی می کند.

مثلاً : علی از مهران بلند قدتر است .

کلمه از ترجمه می شود به (**than**) و برای ترجمه تر قاعده این است که کلیه صفات یک بخشی به آخرشان er اضافه می شود مثلاً:

Hellen is taller **than** Susan.

اما کلیه صفتیایی که شامل سه بخش به بالا هستند قبلشان (more) اضافه می شود.

مثلاً : My book is **more interesting than** yours .

برای صفتیای دو بخشی بعداً تبصره خواهیم داشت.

3- صفات عالی یا درجه برترین : چند اسم را مقایسه می کند و از بین آنها یکی را به عنوان بهترین یا برترین

معرفی می کند مثلاً : هلن بلند قدترین دانش آموز کلاس است .

چون در این درجه اسم مشخص و معرفه می شود کاربرد حرف تعریف **the** ضروری است و برای ترجمه

پسوند (ترین) قاعده اینست که کلیه صفات یک بخشی به آخرشان est اضافه می شود مثلاً:

Hellen is **the tallest** student in the class .

و کلیه صفاتی که شامل سه بخش به بالا هستند قبلشان most به کار می رود مثلاً

My book is **the most interesting** book in the library.

تبصره : بین صفات دو بخشی آنهاییکه به حرف y ختم می شوند در تفضیلی er و در عالی est می گیرند .

happy → happier **than** → **the happiest**

busy → busier **than** → **the busiest**

اما صفات دو بخشی که آخرشان به y ختم نمی شود در تفضیلی more و در عالی most قبلشان اضافه می شود.

Active / **more active than** / **the most active**

Comic / **more comic than** / **the most comic**

صفات بی قاعده : چند صفت زیر در تفضیلی و عالی از قواعدی که تا کنون ذکر شد پیروی نمی کنند و بلکه

شکل خاص خود را دارند.

مطلق	تفضیلی	عالی
good – well	better than	the best
bad - ill	worse than	the worst
much many	More than	the most
Little	Less than	the least
<div> <div> <div>old</div> <div> <div>برای اعضای خانواده</div> <div>→</div> </div> </div> <div> <div>فرد – شخص</div> <div>→</div> </div> </div>	<div>elder -----</div> <div>older than</div>	<div>the eldest</div> <div>the oldest</div>
<div> <div>far</div> <div> <div>فاصله</div> <div>→</div> </div> <div>مقدار</div> </div>	<div> <div>Farther than</div> <div>Further than</div> </div>	<div> <div>the farthest</div> <div>the furthest</div> </div>

The same as

same : برای نشان دادن هماهنگی و یکسانی همیشه بعد از حرف تعریف the به کار می رود و معنی (

همان - یک) می دهد مثلاً :

Hellen and Jane live in the same street.

هلن و جین در یک خیابان زندگی می کنند .

نکته گرامری : در بعضی از کتابهای گرامری صفاتی را که آخرشان به (er , re , le , ow) ختم می شوند را

نیز مثل صفت‌های دو بخشی که آخرشان به y ختم می شود در تفضیلی و عالی er و est می دهد. اما همان

کتابهای گرامری بلافاصله ذکر می کنند که چنین صفاتی را می توان با more , most هم تفضیلی و عالی

کرد.

مطلق

تفضیلی

عالی

narrow	more narrow than	the most narrow
narrow	narrow er than	the narrowest
simple	more simple than	the most simple
simple	simpl er than	the simplest
clever	more clever than	the most clever
clever	clever er than	the cleverest
obscure	more obscure than	the most obscure
obscure	obscur er than	the obscurest

قواعد املائی مربوط به صفت :

1- در صفت‌هایی که آخرشان به حرف y ختم می شوند مثل happy هنگام اضافه شدن er, est حرف y

تبدیل به حرف i می شود.

happy → happ**ier** than → **the happiest**

2- در صفت‌هایی که آخرشان به حرف e ختم می‌شود مثل wide در تفضیلی و عالی فقط r , st اضافه می‌شود.

Wide → wider **than** → **the widest**

3- در صفت‌هایی که یک بخشی هستند و آخرشان به حرف بی صدا ختم می‌شود به شرط آنکه قبل از آن بی صدا فقط یک صدادار وجود داشته باشد مثل big هنگام اضافه شدن پسوندهای er و est حرف بی صدای آخر تکرار می‌شود.

Big → bigger **than** → **the biggest**



crowded	شلوغ	a pair of shoes	یک جفت کفش
busy	گرفتار - مشغول	trousers	شلوار
noisy	پر سرو صدا	scissors	قیچی
glass	عینک	ball point pen	خودکار
cane	نی - قلم خوشنویسی	fountain pen	خود نویس

بقیه بخش : the same

اگر بعد از ترکیب the same کلمه as به کار رود ترکیب the same as به معنی (مثل - شبیه - مانند) است و مترادف با like است مثلاً :

Your shoes are **the same as** mine.

اگر بین ترکیب the same و کلمه as یک اسم فاصله شود بدین صورت می شود.

the same + اسم + as

از این ترکیب میتوان مثل صفت برابر برای هماهنگی دو اسم استفاده کرد ولی باید دانست که چون بعد از the

same همیشه اسم وجود دارد و نمی توان صفت به کار برد ناگزیر صفت را باید تبدیل به اسم کرد مثال :

Hellen is **as old as** Susan.

Hellen is **the same age as** Susan.



در اینجا لازم می شود چند صفت و اسم مربوط به آنها را یاد بگیریم .

tall - big	بزرگ	size	اندازه
long	دراز	length	درازا
wide	پهن	width	پهنا
deep	عمیق	depth	عمق
old	مسن - پیر	age	سن
high	مرتفع - بلند	height	ارتفاع

قید adverb

قید حالت و چگونگی فعل را نشان می دهد با اضافه کردن ly به آخر دسته ای از صفات آنها را تبدیل به قید می

کنند. مثلاً :

sincere	مخلص	sincerely	مخلصانه
quick	سریع	quickly	به سرعت
careful	دقیق	carefully	با دقت

اینگونه قیدها را **قید حالت** می گویند که جایشان در جمله بعد از فعل و در صورتیکه مفعول وجود داشته باشد بعد

از مفعول است. مثلاً :

Hellen speak **slowly** .

Hellen speaks English **slowly** .

اگر فعل جمله نشان دهنده حرکت باشد در چنان جمله ای قید حالت بعد از قید مکان به کار برده می شود.

مثلاً :

He left the room **quickly** .

چند قید زیر ly نمی پذیرند و بدون ly به کار می روند.

Fast	Hard	Short	Long
Little	Much	Late	Early
Near	Far	Still	Just
Enough	Straight	Soon	Low



Take	a nap	چرت زدن
	a shower	دوش گرفتن
	a test-exam	امتحان داشتن
	a bath	حمام گرفتن
	a dictation	دیکته نوشتن
	a trip	سفر کردن
	a vehicle	سوار وسیله‌ای شدن



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- هلن مثل پدرش به مهربانی رفتار نمی کند .

Hellen doesn't behave the same kind as her father .

2- من توانستم تمرینها را به راحتی تو انجام بدهم.

3- آنها احتیاج به یک ماشین به خوبی مال تو دارند.

4- او سریعتر از منشی ما نامه ها را تایپ می کند.

He types the letters faster than my secretery.

5- من هیچگاه دیرتر از والدینم بیدار نمی شوم.

I never get up later than my parents .

6- او نتوانست به روانی من در آن امتحان صحبت کند.

7- فکر نمی کنم آقای براون جدی تر از همکارش با تو صحبت کرده است.

8- این کوتاه ترین گیاهی است که در این منطقه می روید.

9- آنها در مرتفع ترین منطقه این کشور زندگی می کنند.

10- او صمیمانه تر از والدینش با دیگران رفتار می کند.

کلمات به شکل بالا با شکل واحدی به عنوان صفت نیز به کار می روند . طبعاً وقتی قبل از اسم باشد یا به

تنهایی بعد از فعل ربطی باشند صفت هستند مانند :

Hellen is a **fast** typist.

Hellen is **fast**.

اما اگر بعد از هر فعل دیگری غیر از افعال ربط به کار رود قید هستند مثلاً :

Hellen types **fast**.

قید

Hellen **looks fast**.

صفت فعل ربط

چند کلمه زیر ly دارند اما قید نیستند بلکه صفت هستند :

friendly	صمیمی	lovely	دوست داشتنی
deadly	مرگبار	kingly	شاهانه
likely	احتمالی	worldly	جهانی
motherly	مادرانه	fatherly	پدرانه
sily	احمقانه	ugly	زشت
sisterly	خواهرانه		

Hellen is a friendly girl.

تذکر: اگر لازم شود از کلمات بالا به صورت قید استفاده شود چون نمی توان به آنها ly اضافه کرد و مثلاً گفت friendlyLY ناگزیر برای تهیه کردن آنها از ترکیب زیر استفاده می شود.

In a/ an + { **Fashion**
 Way
 Manner راه و روش

هلن صمیمانه صحبت می کند.

Hellen speaks **in a friendly manner**.

درجات مقایسه قید: قید نیز از نظر مقایسه دارای سه درجه برابر و برتر و برترین است بدین شرح:

1- قید برابر: دو فعل را مقایسه می کند و آنها را برابر معرفی می کند مثلاً هلن به کندی سوزان تایپ می کند.

ساختمان این درجه از قید بدین ترتیب است.

as	قید	as
not as/not so	قید	as

Hellen types **as slowly as** Susan.

Hellen doesn't type **so/as slowly as** Susan.

2- قید برتر: دو فعل را مقایسه می کند اما یکی را بهتر یا بدتر می شناسد مثلاً:

هلن کندتر از سوزان تایپ می کند.

بیاد داریم که در صفت برتر بحث یک بخشی و دو بخشی و چند بخشی داشتیم در حالیکه در قید برتر اینطور نیست. بلکه قاعده بر این است که اگر ly می پذیرد در این درجه more than به آن اضافه می شود و اگر ly نمی پذیرد به آخرش er اضافه می شود، بدین صورت:

Hellen drives **more slowly** than Susan.

Hellen drives **faster** than Susan.

3- قید برترین (عالی) : چند فعل را مقایسه می کند و از بین آنها یکی را به عنوان بهترین یا بدترین می شناسد. مثلاً هلن به کندترین وجه تایپ می کند.

برای ترجمه "ترین" نیز در این درجه از قید قاعده اینست که اگر قید ly می پذیرد قبلش the most و اگر ly نمی پذیرد به آخرش the est اضافه می کنیم، بدین صورت :

Hellen types **the most slowly**.

Hellen types **the fastest**.

چون در ترجمه قید عالی به فارسی ذکر کلمه "ترین" کافی نیست ناگزیر برای ترجمه قید عالی انگلیسی به فارسی از ترکیب زیر استفاده می شود :

به ترین { وجه / صورت / شکل }

کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار هستند : intensifiers

کلماتی که دلالت بر کمیت و مقدار زیاد می کنند عبارتند از much, many که هر دو به معنی زیاد - خیلی می باشند.

much + اسم مفرد غیر قابل شمارش

many + اسم جمع قابل شمارش

فرق این دو این است که بعد از **much** اسم مفرد به صورت غیر قابل شمارش است اما بعد از **many** اسم جمع به صورت قابل شمارش به کار می رود.

much و **many** معمولاً در جمله های سؤالی و جمله های منفی به کار می رود

Has Hellen written **many** letters?

Does Hellen drink **much** coffee?

Helen has not written **many** letters.

Hellen doesn't drink **much** coffee.

در جمله های مثبت معمولاً از **a lot of** استفاده می شود چه برای قابل شمارش و چه برای غیر قابل شمارش، بدین صورت :

Hellen has written **a lot of** letters.

Hellen drinks **a lot of** coffee.

اگر بخواهیم شدت قید یا صفت را نشان دهیم از **too** یا **very** استفاده می کنیم .

زیاد - خیلی { **Too** / **Very** + صفت / قید

فرق too & very : این است که very نشان دهنده حد متعادل قید یا صفت است مثلاً :

The park is **very beautiful**.

The teacher speaks **very fluently**.

اما too نشان دهنده مقدار نامطلوب قید یا صفت است :

It is **too cold** today.

That driver drives **too slowly**.

too, very می توانند برای تقویت معنی قبل از much و many به کار روند مثلاً:

There were **too many** cars in the street.

Hellen drinks **too much** water in a day.

She knows **very many** words.

Thank you **very much**.

کلمه enough به معنی اندازه کافی ، برعکس too ، very بعد از قید و صفت به کار می رود.

enough + صفت / قید

You are rich enough .

He speaks fluently enough .

البته enough می تواند با اسم نیز به کار رود که البته معمولاً قبل از اسم به کار می رود مثلاً :

They spend enough money in a month .

کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار کم هستند عبارتند از :

{ کم و اندک	Little	مفرد - اسم غیر قابل شمارش
	Few	جمع - اسم قابل شمارش

few & little : نشان دهنده مقدار کمیتی هستند که آنقدر ناچیزند که به صفر و هیچ نزدیکترند.

I have **little** money in my pocket.

He knows **few** words.

اگر لازم شود از مقدار یا تعدادی که چشمگیرتر از **few** و **little** باشند نام ببریم قبل از آنها حرف تعریف (a)

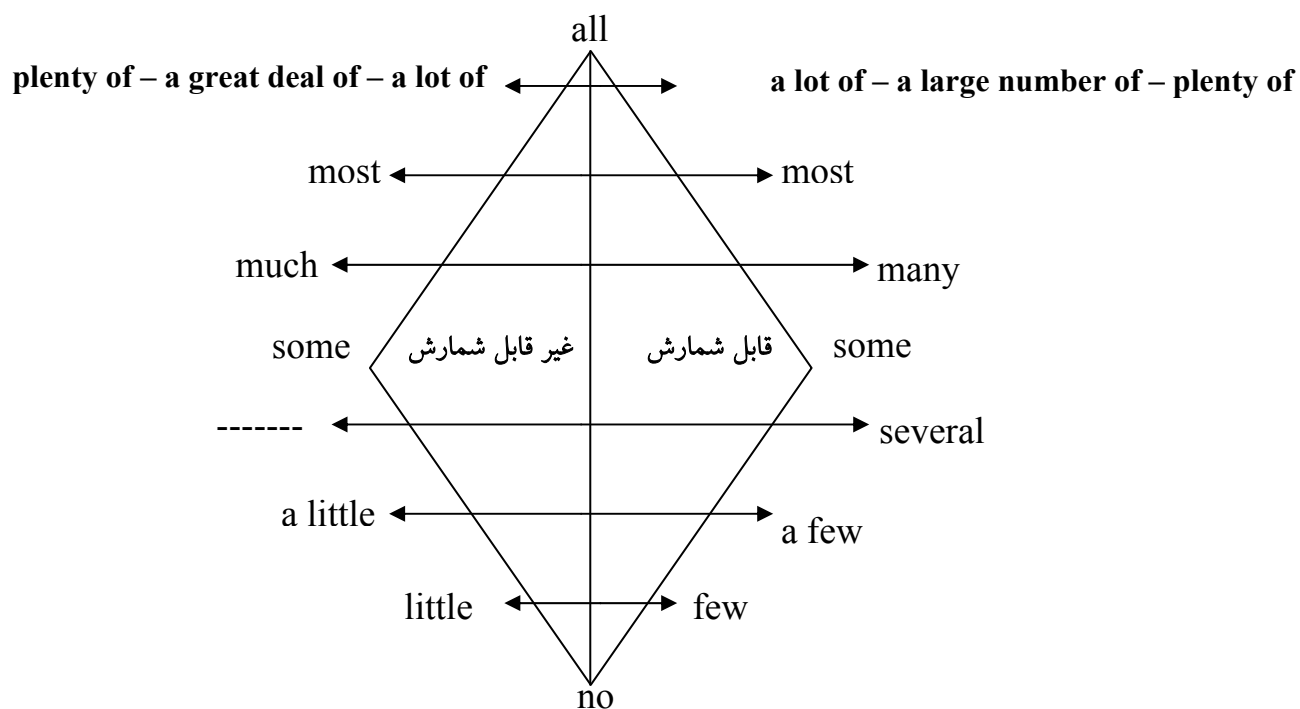
بکار می‌بریم.

یک کمی	{	a little	مفرد - اسم غیر قابل شمارش
		a few	جمع - اسم قابل شمارش

I drink **a little** coffee after dinner.

He has **a few** books in his book case.

در نمودار زیر کلماتی که نشان دهنده مقدار و تعداد هستند و قبل از اسم بکار می‌رود بکار رفته است.



کلمات بالا مادام که قبل از اسم بکار می روند صفت هستند اما اگر برای جلوگیری از تکرار لازم شود اسم بعد از

آنها را حذف کنیم نقش ضمیر پیدا می کنند. مثلاً:

She Spends little money and I spend much.
صفت ضمیر

Such

این کلمه به معنی چنین میتواند با اسمهای قابل شمارش جمع و همچنین غیرقابل شمارش مفرد بدین صورت:

توجه کنید که غیر قابل شمارش جمع مفهوم ندارد.

Helen hasn't said **such** words.

Helen doesn't like **such** weather.

اگر اسم قابل شمارش به صورت مفرد باشد از Such a/an استفاده می شود بدین صورت:

Such a child can't stay quiet.

اگر در جمله هائی که Such بکار می رود صفتی نیز قبل از اسم وجود داشته باشد الگوی جمله به شکل زیر است:

اسم + صفت + Such a/an

I haven't seen such an interesting film so far.

میتوان به جای Such از کلمه so برای گرفتن همان معنی استفاده کرد اما الگوی جمله بدین صورت خواهد بود:

اسم + a/an + صفت + So

I haven't seen so interesting a film so far.

اگر قبل از اسمی یک صفت داشته باشیم که آن صفت را Very شدت بخشیده باشد جای حرف تعریف بدین

صورت است.

اسم + صفت + Very + a



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- او گفت که هرگز چنین غذای خوشمزه ای نخورده است.
- 2- وقتی رسیدم آنجا، مسافره‌ای زیادی توی سالن وجود داشتند.
- 3- این زیباترین پرنده ای است که در این منطقه زندگی می کند.
- 4- آنها قصد داشتند لغتهای زیادی حفظ کنند اما نتوانستند.
- 5- فکر می کنم چای زیادی توی قوری نباشد.
- 6- چند تن از دوستانم می خواهند یک هدیه خیلی ارزشمند برای پدر علی ببرند.
- 7- او بهترین دکتر آن بیمارستان کوچک است.
- 8- آنها یک جاده خیلی طولانی را در یک هفته رکاب زدند.
- 9- او عصبانی ترین مردی است که من در میان اقوام سراغ دارم.
- 10- او عادت دارد صبحها کمی قهوه با صبحانه اش بنوشد.

گسترش جمله با too و enough

در جمله هایی که too یا enough بکار می روند اگر جمله گسترش پیدا کند به یکی از صورتهای زیر در می آید.

1: اگر مورد بحث جمله شخص یا چیز واحدی باشد به یکی از صورتهای زیر گسترش می یابد.

مصدر با to + صفت/ قید + too

She is **too young to** work.

She drives **too slowly to** arrive on time.

مصدر با to + enough + صفت/ قید

1. She is rich enough to buy the house.

2. They work hard enough to earn a lot of money.

2: اگر مورد بحث جمله دوشخص یا دو چیز مختلف باشد گسترش جمله به یکی از صورتهای زیر خواهد بود.

مصدر با to + شخص + for + صفت/ قید + too

1. The car is too expensive for me to buy.

2. You speak too fast for me to under stand.

مصدر با to + شخص + enough + صفت/ قید

1. The book is easy enough for us to read.

2. You sigh beautifully enough for them to enjoy.

«دیگر» «Other»

کلمه other به معنی دیگر فقط قبل از اسامی جمع نامعین بکار می رود مثلاً:

John has polished **other** shoes too.

اگر اسم به صورت مفرد و نامعین باشد قبل از آن another بکار می رود. مثلاً:

This child wants **another** toy.

اگر اسم به صورت معین (چه مفرد و چه جمع باشد قبل از آن the other بکار می رود که اشاره به اسم دوم یا گروه دیگر دارد مثلاً:

I don't like this hat. I like **the other** hat.

I don't like these shoes but I like **the other** shoes.

کلماتی که تاکنون مورد بحث قرار گرفت همگی صفت هستند و قبل از اسم بکار می روند.

Other + اسم جمع نامعین	⇨ {	another + اسم مفرد نامعین
		the other + اسم مفرد معین
		the other + اسم جمع معین

حتی میتوان اسمهای بعد از صفات را به ضمیر one یا ones تبدیل کرد.

other ones	{	another one
		the other one
		the other ones

حتی میتوان اسمهای بعد از another و the other (مفرد) را حذف کرد و از خود آنها به عنوان ضمیر استفاده کرد.

I don't like this hat, I like the other. ~~hat~~.

This child wants another ~~hat~~.

اما اگر اسمهای بعد از **other** و **the other** (جمع) را بخواهیم حذف کنیم نمیتوان از خود این کلمات به عنوان ضمیر استفاده کرد بلکه برای تبدیل آنها به ضمیر از حرف (S) استفاده می کنیم.

others → دیگران - بقیه

The others → (اون یکی ها) آن دیگران

I don't like these shoes. I Like the others.

John has polished others too.

در دو اصطلاح زیر **other** و **another** بکار رفته است که کاربرد مخصوصی دارند.

همدیگر - یکدیگر	each other	بین دوکس
	one another	بین بیش از دوکس

این دو اصطلاح وقتی بکار می رود که کاری به صورت متقابل از دو طرف صورت گرفته باشد.

مثلاً بجای اینکه گفته شود من احمد را می شناسم و احمد مرا می شناسد بهتر است گفته شود: احمد و من همدیگر را می شناسیم.

Ahmad and I know **each other**.

People must help **one another**.

اگر کاری به صورت متقابل انجام نیافته باشد بلکه از یک سو و یک جهت رخ داده باشد از کلمه **together** به معنی (با یکدیگر - با همدیگر) استفاده می شود و آنرا نباید با فعل **to gather** به معنی جمع آوری کردن اشتباه کرد.

Helen and jane study **together**.

در چند اصطلاح زیر کلمه **other** معنی «دیگر» نمیدهد.

every other days = on alternate days	یکروز در میان
the other day = some days ago	چند روز قبل
other wise = or else	والا- وگرنه
on the other hand = in other words	از طرف دیگر

other than = except

به جز

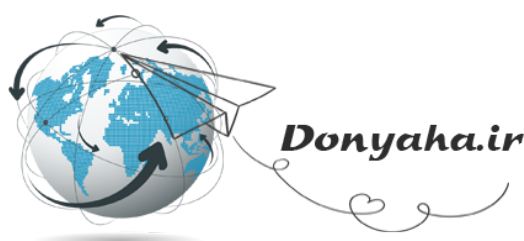
one after another = one by one



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آنها تقریباً هر روز همدیگر را توی جلسه می بینند.
- 2- من و دوستم یکروز در میان همدیگر را در کلاس ملاقات میکنیم.
- 3- وقتی رسیدیم آنجا والدینم داشتند با یکدیگر می رفتند خرید.
- 4- سه تا کتاب روی میز وجود داشت - یکی را برداشتم و آن دیگری را جا گذاشتم.
- 5- مقداری از محصل ها داشتند توی حیاط بازی می کردند، تعدادی هم داشتند درسهایشان را حفظ می کردند و آن بقیه داشتند کلاس را تزئین می کردند.
- 6- فکر می کنم او این شلوار را دوست نداشته باشد لطفاً آن دیگری را به او بدهید.
- 7- مردی که دارد در کلاس دیگر درس می دهد سابقاً معلم ما بود.
- 8- من منظورم این جمله ها نیست بلکه جمله های دیگر است.
- 9- آیا جان میتواند به سرعت آن راننده دیگری اتوبوس را براند.
- 10- ما سابقاً در آن اداره دیگری به عنوان خدمتکار کار می کردیم.





تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- مردی که سابقاً اینجا زندگی می کرد الان در آن خانه دیگری است.
- 2- جمله ای که تو نوشتی به قشنگی آن دیگری نیست.
- 3- خانه ای که ما توی آن زندگی می کنیم به این قیمت نمی ارزد.
- 4- شیشه ای را که آن بچه شکسته بود مال اتاق پذیرایی ما بود.
- 5- من آدرسی را که تو نوشته بودی گم کردم.
- 6- مردی را که تو درباره آن صحبت می کنی پدرم می شناسد.
- 7- من به بچه هایی که آقای اسمیت درس می دهد گفتم که او امروز نخواهد آمد.
- 8- قلمی که تو خریده ای به گرانی مال من نیست.
- 9- مهمانها یکی پس از دیگری جشن را ترک کردند و از میزبان تشکر کردند.
- 10- آنهایی که دارند توی حیاط بازی می کنند شاگردهای آقای اسمیت هستند.
- 11- پیراهنی را که توی چمدان بود خیلی دوست دارم.
- 12- او کفشهایی را که من برایش خریده بودم هرگز نپوشید.
- 13- تویی که پول در جیب نداری نمیتوانی این کتاب گران را بخری.
- 14- پسری که داشت با آقای اسمیت صحبت می کرد سابقاً کارگر ما بود.
- 15- من اتفاقی را که تو تمیز کردی قصد دارم دوباره تمیز کنم.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- آیا این بزرگترین ساختمان این منطقه نیست.

Isn't this the largest building in this area?

2- او زیباترین گل این باغچه را چیده بود.

He had picked the most beautiful flower from this garden.

3- هلن به اندازه خواهرش باهوش نیست.

Helen isn't so/as intelligent as her sister.

4- او قرار است گرانترین هدیه را برای پدرش ببرد.

He is supposed to take the most expensive present for his father.

5- آقای اسمیت سریعترین ماشین نویس این اداره است.

Mr. Smith is the fastest typist in this office.

6- خانه ما گرانتر از خانه ای است که تو خریده ای.

Our house is more expensive than the house that you have bought.

7- او در کوچکترین خانه این خیابان سابقاً زندگی می کرد.

He used to live in the smallest house in this street.

8- من توانستم درازترین جاده این کشور را در 24 ساعت رانندگی کنم.

I could drive the longest road in this country for 24 hours.

9- فکر می کنم کفشهای تو ارزانتر از مال من باشد.

I think, your shoes are cheaper than mine

10- این زیباترین هدیه ای است که من خریده ام.

This is the most interesting present that I have bought.

ضمایر موصولی Relative Pronouns

قبلاً گفتیم که صفت میتواند قبل از اسم به صورت کلمه بکار رود، و اگر بعد از اسم بکار رود باید بعد از فعلهای Link یا ربط قرار گیرد. صفت میتواند بعد از اسم، شکل جمله داشته باشد که چون چنان جمله ای حالت وصفی دارد به آن جمله وصفی گویند علامت جمله وصفی اینست که با «که» موصولی شروع می شود.

جمله وصفی + (که) موصولی + اسم

پس «که» موصولی جمله وصفی را به اسم قبل از خودش وصل می کند؛ به همین علت موصولی نام دارد. خاصیت دیگر «که» موصولی اینست که از تکرار اسم قبل از خودش در جمله وصفی به هر نحو ممکن جلوگیری می کند. اینکه گفتیم بهر نحو ممکن از این روست که در فارسی همه آنها یعنی «که» های موصولی (ک - ه) اما در انگلیسی نسبت به اسمی که قبلشان بکار می رود شکلهای متفاوت دارند بدین شرح.

1- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مشخص در فاعل جمله وصفی جلوگیری کند who ترجمه می شود.

The man. The man works here.

...the man **who** works here.

2- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مشخص در مفعول جمله وصفی جلوگیری کند whom ترجمه می شود.

The man I know the man.

...the man **whom** I know.

3- «که» موصولی اگر از تکرار اسم غیرمشخص در فاعل جمله وصفی جلوگیری کند which ترجمه می شود.

The bus The bus stops here everyday.

...the bus **which** stops here everyday.

4- «که» موصولی اگر از تکرار اسم غیرمشخص در مفعول جمله وصفی جلوگیری کند which ترجمه می شود.

The book I study the book.

...the book **which** I study.

5- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مکان در جمله وصفی جلوگیری کند به where ترجمه می شود.

The house. they live in it.

the house **where** they live (ین).

باید دانست که وقتی که از where استفاده می شود نیاز به حرف اضافه مکان نیست.

6- «که» موصولی اگر از تکرار اسم زمان در جمله وصفی جلوگیری کند به **when** ترجمه می شود.

The year. I was born in the year.

The year **when** I was born.

7- «که» موصولی اگر از تکرار **صفت ملکی** در جمله جلوگیری کند ترجمه آن **whose** است.

The man his wife works with me.

...The man **whose** wife works with me.

...The dog **whose** name was Top یا the dog **the name of which** was top of.

البته اگر قبل **whose** اسم غیرمشخص وجود داشته باشد میتوان بجای **whose** از **of which** استفاده کرد

بدین ترتیب که اسم بعد از **whose** را به قبل از **whose** منتقل می کنیم و بجای **whose** از **of which** استفاده می کنیم.

The room **whose door**...

The room **the door of which**...

8- اگر در جمله وصفی عدد قبل از صفت ملکی وجود داشته باشد آن عدد به قبل از **whose** منتقل می شود.

9- در صورتی که قبل از **which** عبارت **The thing** وجود داشته باشد بجای ترکیب **The thing which** از **what** استفاده می کنیم. بدین صورت:

The thing which you need is fresh air.

What you need is fresh air.

10- «که» موصولی اگر از تکرار اسم **دلیل و علت** در جمله وصفی جلوگیری کند به **why** ترجمه می شود.

The reason. I study English for that reason.

The reason **why** I study English is that I want to go abroad.

تذکر مهم: باید دانست که وقتی جمله هایی که **The reason why** در آنها بکار رفته ادامه پیدا می کند از کلمه

رابط **That** استفاده می شود نه **because**.

میتوان در قسمت اسم، قبل از «که» موصولی ضمیر بکار برد و با «که» موصولی (who)، همه ضمیرها بکار می روند به غیر از They که به جای آن از Those استفاده می شود مثلاً:

I who work hard.	we who work hard
You who work hard.	you who work hard
It who works hard.	
She <u>who</u> works hard.	Those who work hard.
He who works hard.	

1. موارد جایگزینی ضمایر موصولی

از بین «که» های موصولی، 3 مورد who ، whom و which (فاعلی و مفعولی) قابل جایگزین شدن با that هستند بدین صورت:

The man who works here is my uncle.
that

The man whom you saw yesterday wants you.
that

The house which is on the corner is mine.
that

The house which you bought is too expensive.
that

2. موارد حذف «که» های موصولی

از بین ضمایر موصولی حتی میتوان whom و which (مفعولی) را حذف کرد بدین صورت

The man ~~which~~ you saw yesterday wants you.

The house ~~which~~ you bought is too expensive.

3. جملات وصفی ضروری و غیرضروری

جمله های وصفی انگلیسی به دو دسته تقسیم می شوند.

1- جمله های وصفی ضروری (necessary) که به آنها (defining) هم می گویند.

جمله هایی هستند که وجودشان ضروری است تا اسم در جمله تعریف شود. مثلاً در جمله ای مثل:

a writer is a person.

شنونده و خواننده منتظر است چیزی راجع به Person بفهمد زیرا مفهوم این جمله کامل نیست هر جمله وصفی که در این حالت بکار رود ضروری به حساب می آید مثلاً:

a writer is a person **who writes novel.**

2- جملات وصفی غیر ضروری (unnecessary) که به آنها none defining گویند.

جملاتی هستند که وجودشان صددرصد ضروری نیست بلکه فقط برای دادن اطلاعات اضافی در مورد اسم بکار می رود مثلاً در جمله ای مثل:

Hafez is a great poet.

چون مفهوم جمله کامل است هر وصفی که در مورد اسم حافظ بیان شود صددرصد ضروری نیست و به آن (unnecessary) گویند. مثلاً:

Hafez **who lives in Shiraz**, is a great poet.

علامت جملات وصفی (unnecessary) این است که قبل از کاما (،) به کار می روند و اسم قبلشان از اسامی خاص است.

نکته مهم: موارد جایگزینی و حذف در جمله های none defining بکار نمی روند ولی در جمله های defining صورت می گیرد.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- مردی که توی اتاق دیگری دارد درس می دهد سابقاً معلم ما بود.

- 2- آنهایی که زود بیدار می شوند همیشه موفق هستند.
- 3- منی که پول توی جیب ندارم نمیتوانم به این مرد فقیر کمک کنم.
- 4- ما یکی پس از دیگری صف را ترک کردیم زیرا نانوائی نان نداشت.
- 5- دلیل اینکه من به تو تلفن نزدم اینست که تلفن ما خراب بود.
- 6- خانه ای که آن طرف خیابان است، سابقاً متعلق به آقای براون بود.
- 7- من مردی را که تو داری درباره اش صحبت می کنی ندیدم.
- 8- فکر می کنم تو آن سیب را دوست نداری. بنابراین آن دیگری را بردار.
- 9- آنها هر روز در مؤسسه هستند بجز روزهای فرد.
- 10- خانه ای که آقای براون قرار است بخرد گرانتز از آن یکی دیگری است.

جملات گذشته حدسی و گذشته غیر واقعی

قبل از بحث درباره این دو نوع جمله لازم است مروری بر فعلهای انگلیسی داشته باشیم که در جدول زیر نشان

داده شده اند.

to do	-	does-did
to have	-	has-had
to be	-	am-is-are-was-were
to need	-	-
can	توانستن	Could
may	ممکن بودن	Might
must	باید	-
shall	علائم آینده	Should
will	علائم آینده	Would
-	سابقاً	used to
-	باید	ought to
-	قرار بودن	to be supposed to
-	ترجیح داشتن	had better
-	-	would rather
-	باید	have to

از این فعلهای کمکی (can, may, shall, will, must) را که ریشه مصدری ندارند فعلهای کمکی مدال گویند (modal).

از فعلهای مدال کلماتی صادر می شوند که آنها را مشتقات گویند. که عبارتند از:

would-should-might-could حال می خواهیم فعلهای مدال و مشتقات آنها را با سه نوع مصدر ساده ،

استمراری و کامل ترکیب کنیم تا ببینیم جمله حاصله چیست.

1- با مصدر ساده: وقتی فعلهای مدال و مشتقات آنها را با مصدر ساده ترکیب کنیم جمله حاصله زمان حال و یا آینده است. (به شرط وجود قید زمان حال و آینده)

Bob **can** come now. → Bob **can** come tomorrow.

Bob **could** come now. → Bob **could** come tomorrow.

در یک صورت مشتقها، گذشته فعلهای مدال به حساب می آیند و آن اینست که در جمله یا قید زمان گذشته وجود داشته باشد و یا تطابق زمان به جمله تأثیر گذاشته باشد.

Bob could come yesterday.

I knew that Bob could come.

2- مصدر استمراری:

با مصدر استمراری وقتی Should را ترکیب کنیم جمله حاصله حال - غیر واقعی است. مثلاً:

Helen **should be resting**. (هلن باید خواب باشد ولی نیست)

حال غیر واقعی از این نظر که اگر ظاهر جمله مثبت است، مفهوم آن منفی است مانند مثال بالا و اگر ظاهر جمله منفی است، مفهوم آن مثبت است مثلاً:

Hellen **Shouldn't be resting**.

با مصدر استمراری وقتی may را ترکیب کنیم جمله حاصله حال حدسی است.

It **may be raining**. شاید دارد می بارد

حال حدسی از این نظر که از قرینه ها و شواهد حدس می زنیم که ممکن است کاری در حال انجام باشد.

3- مصدر کامل: با مصدر کامل وقتی can , must , may را ترکیب کنیم جمله حاصله گذشته حدسی است مثلاً:

Hellen **must have seen the film**. هلن باید فیلم را دیده باشد.

گذشته حدسی از این نظر که از شواهد و قرینه ها حدس می زنیم که ممکن است کاری در گذشته رخ داده باشد مثلاً از اینکه هلن در مورد فیلم اطلاعاتی می دهد حدس می زنیم که باید فیلم را دیده باشد.

اما با مصدر کامل وقتی might-ought to-should-could-would را ترکیب کنیم جمله حاصله گذشته غیر واقعی است.

$$\left. \begin{array}{l} \text{could} \\ \text{should} \\ \text{would} \\ \text{might} \\ \text{ought to} \end{array} \right\} + \text{have P.P (گذشته غیر واقعی)}$$

مثال:

I should have gone there. من باید می‌رفتم آنجا (که نرفتم).

گذشته غیر واقعی از این نظر که اگر ظاهر جمله مثبت است یعنی not ندارد مفهوم جمله منفی است مانند مثال بالا و اگر ظاهر جمله منفی است یعنی not داشته باشد مفهوم مثبت خواهد داشت بدین صورت:

I shouldn't have gone there. من نباید می‌رفتم آنجا (ولی رفتم).



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- پدرم دارد پیاده می آید. باید ماشینش را فروخته باشد.
- 2- آنها اینجا نیستند. باید توی کمد گذاشته باشمشان.
- 3- من کلید را باید خانه عمویم جا گذاشته باشم. چون توی جیبم نیست.

- 4- تو نباید جلوی دیگران به او توهین می کردی.
- 5- پدرم نباید می رفت پیش دکتر (چون چشمهایش ضعیف نیستند).
- 6- تو می تونستی در امتحانات نهائی قبول شوی نمیدونم چرا شرکت نکردی.
- 7- او امکان داشت با ماشین تصادف کند. باید دستش را می گرفتی.
- 8- من نباید در را قفل می کردم چون ممکن است پدرم زودتر از من بیاید.
- 9- آقای براون باید تا بحال استعفا داده باشد.
- 10- معلم نباید درس را شروع کرده باشد.

آینده کامل

این زمان دلالت بر انجام عملی می نماید که از یک زمانی شروع شده است و اما در آینده تمام و کامل می گردد.

علامت این زمان در فارسی: کلمه تا در اول قید زمان آینده همراه با جملات حال کامل علامتی از این زمان در فارسی است.

تا + قید زمان آینده + حال کامل ← آینده کامل

مثال: تا سال آینده از دبیرستان فارغ التحصیل شده ایم.

I will have graduated from high school by next year.

مثال: رضا تا ساعت 5 برگشته خونه.

Reza will have returned home by five o'clock.

طرز ساخت: برای ساختن این زمان در انگلیسی از فرمول زیر استفاده می شود.

Subject + will have + Past Participle

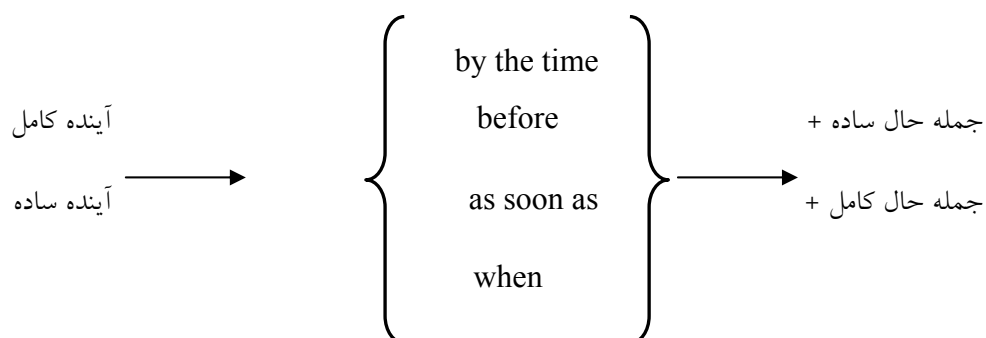
نشانه های این زمان:

1- تا + قید زمان آینده ← (By tomorrow) قید زمان آینده + By

2- تا + طول مدت زمان ← $\left. \begin{matrix} in \\ within \end{matrix} \right\} two\ weeks$

3- تا + جمله حال ساده ← آینده کامل

4- تا + جمله حال کامل ← آینده ساده



Conditionals

جملات شرطی

یک جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود یکی قسمت شرط (if clause) و دیگری قسمت جواب یا نتیجه یا جزء (main clause) بدین صورت:

قسمت جزء شرط ، قسمت شرط + if

می توان قسمت جواب را ابتدا و بعد قسمت شرط را بیان کرد یا نوشت در آن صورت احتیاج به علامت کاما (و) وسط دو بند نیست.

قسمت شرط + if + قسمت جزء

جمله های شرطی انگلیسی به دو دسته واقعی و غیرواقعی تقسیم می شوند که در اینجا مورد بحث ما جملات شرطی غیرواقعی هستند.

شرطی های غیرواقعی سه نوع دارند. زیرا هر یک از آنها مربوط به یکی از زمانهای آینده - حال و یا گذشته هستند بدین شرح:

1- شرطی نوع اول: مربوط به زمان آینده است.

قسمت جزء	قسمت شرط
_____	if + _____
	حال ساده

If Helen **has** money, she **can buy** the car.

اگر هلن پولی داشته باشد. او میتواند ماشین رو بخرد.

چون در این نوع شرطی امکان انجام کار وجود دارد به آن (Possible) گویند.

2- شرطی نوع دوم: مربوط به زمان حال است.

if +	قسمت شرط	قسمت جزاء
	گذشته ساده	مصدر ساده + مشتقات

If Helen **had** money now, she **could buy** the car.

اگر هلن الان پول داشت می توانست ماشین را بخرد.

چون در این نوع شرطی گوینده تصور انجام کاری را در زمان حال می کند که تحقق پیدا نمی کند به این نوع شرطی (imaginary) گویند.

3- شرطی نوع سوم: مربوط به زمان گذشته است.

if +	قسمت شرط	قسمت جزاء
	have + P.P	have + P.P + مشتقات

If Hellen **had had** money, she **could have bought** the book yesterday.

اگر هلن دیروز پول داشت میتوانست کتاب را بخرد.

چون در این نوع شرطی گوینده، شرطی را مطرح می کند که در گذشته تحقق نیافته و گذشته را نمیتوان بازگرداند به این نوع شرطی غیرممکن یا (impossible) یا گذشته غیرواقعی گویند.

تعیین نوع شرطی دوم و سوم

برای تعیین شرطی نوع دوم و سوم یا احتیاج به قید زمان است مثلاً:

1- اگر امروز پول داشتم این کتاب را می خریدم.

If I **had** money **today**, I **would buy** this book.

2- اگر دیروز پول داشتم این کتاب را می خریدم.

If I **had** money **yesterday**, I **would have bought** this car.

اگر قید زمان در جمله شرطی بکار نرفته باشد برای تعیین نوع دوم و سوم احتیاج به جمله نشانه است بدین صورت که اگر جمله نشانه زمان حال باشد شرطی بعد از آن نوع دوم است مثلاً:

she doesn't try if she tried , she **would succeed**.

و اگر جمله نشانه، گذشته باشد شرطی بعد از آن نوع سوم است مثلاً:

She didn't try, if she had tried , she **would have succeeded**.

« والا » Otherwise

این کلمه به معنی والا در جمله های شرطی بجای قسمت if clause بکار می رود. مثلاً به جای اینکه گفته شود:

آنها مرا دعوت نکردند؛ اگر دعوت می کردند می رفتم.

They didn't invite me, **If they had invited me**, I would have gone.

میتوان جمله بالا را به این صورت بیان کرد که:

آنها مرا دعوت نکردند و الا می رفتم.

They didn't invite me; other wise, I would have gone.

طبیعی است که اگر جمله نشانه زمان گذشته باشد، جزای بعد از otherwise مربوط به شرطی نوع سوم است

مانند مثال بالا.

اگر جمله نشانه زمان حال باشد جزای بعد از آن مربوط به شرطی نوع دوم می باشد بدین صورت:

They don't invite me, other wise, I would go.

اگر جمله نشانه فعل امر یا زمان آینده باشد جزای بعد از otherwise مربوط به شرطی نوع اول است مثلاً:

Don't smoke, **otherwise**, you will get used to it.

« Wish » کاشکی - ای کاش

اگر بعد از wish مصدر با to بکار رود wish معنی میل داشتن و خواستن است.

I wish to see them. می خواهم آنها را ببینم.

I want to see them. می خواهم آنها را ببینم.

اما اگر بعد از wish جمله بکار رود در آن صورت wish مفهوم آرزو پیدا می کند و به معنی کاش - کاشکی است و چون فاعل آرزوی کاری را می کند که تحقق آن یا انجام آن حتمی و یقینی نیست wish در این حالت جزء غیرواقعی ها بحساب می آید بدین صورت که:

1- اگر آرزو برای زمان آینده باشد جمله بعد از wish با would بیان می شود. مثلاً:

I wish they would call me tomorrow.

2- اگر آرزو برای زمان حال باشد، فعل جمله بعد، بعد از wish در زمان گذشته ساده خواهد بود.

I wish They called me now. ای کاش آنها الان به من تلفن می زدند.

3- اگر آرزو برای زمان گذشته باشد فعل جمله بعد از wish با گذشته کامل بیان می شود مثلاً:

I wish They had called me yesterday.

یادآوری مهم: اگر قید زمان در جمله وجود نداشته باشد. برای تعیین شکل فعل جمله بعد از wish احتیاج به جمله نشانه است.

کلمات معادل if

میتوان در سه نوع شرطی ذکر شده قبل به جای if از یکی از عبارات زیر استفاده کرد.

به شرطی که	$\left\{ \begin{array}{l} on \ condition \\ Provided \\ Providing \end{array} \right.$	به فرض اینکه	$\left\{ \begin{array}{l} Suppose \\ Supposing \end{array} \right.$
------------	--	--------------	---

I will sign the contract **provided** you give me some money.

یکی از عبارات فوق نیز میتوانند در شرطی نوع دوم بجای کلمه if بکار می رود.

Suppose it rained now , I would stay home.

وقتش است که « It is time »

این عبارت وقتی بکار می رود که فاعلی موقع انجام کاری را برای خود یا کس دیگری ترجیح دهد و قاعده آن اینست که اگر گوینده جمله، ترجیح انجام کاری را برای خودش می دهد بعد از این عبارت مصدر با to بکار می برند. بدین صورت:

مصدر با + it's time

وقتشه کار را تمام کنم. it's time **to finish** the job.

اما اگر گوینده جمله وقت انجام کاری را برای کسی دیگر ترجیح می دهد بعد از این ترکیب ابتدا فاعل مورد نظر و فعل را به صورت گذشته ساده می آوریم. بدین صورت:

زمان گذشته + فاعل + it is time

وقتشه که کار را تمام کنی. it's time you **finished** the job.

حذف IF

در جملات فارسی در صورتیکه در قسمت شرط (if clause) فعل کمکی وجود داشته باشد می‌توان کلمه if را حذف کرد که قاعده آن در سه نوع شرطی ها بدین صورت است.

1) در شرطی نوع اول: در صورتی که Should بکار رود معنی احتمالاً می دهد. مثلاً:

If I **should** see him, I will tell him.

که می‌توان در این حالت Should را به قبل از فاعل منتقل کرد و if را حذف کرد بدین صورت:

Should I see him. I will tell him.

2) در شرطی نوع دوم: در صورتی که فعل بودن یعنی were بکار رفته باشد برای حذف if می‌توان از آن استفاده کرد.

If you **were** here, I would talk to you.

Were you here, I would talk to you.

3) در شرطی نوع سوم: همیشه فعل کمکی had وجود دارد که برای حذف if می‌توان از آن استفاده کرد بدین صورت:

if I **had** gone there, I would have seen him.

Had I gone there, I would have seen him.

نکته: Should به معنی «احتمالاً» در شرطی نوع دوم نیز می‌تواند بکار رود و بنابراین برای حذف if مورد استفاده قرار گیرد.

If I **should** see him now, I would tell him.

Should I see him now, I would tell him.

Unless

این کلمه میتواند در جمله های شرطی در قسمت شرط (if clause) جای if و not بکار رود.

مثلاً بجای اینکه گفته شود، تو موفق نمی شوی اگر کوشش نکنی

You won't succeed **if** you don't try.

میتوان جمله شرطی به صورت زیر نیز بیان کرد.

موفق نمی شوی مگر اینکه کوشش کنی.

You won't succeed **unless** you try.

البته unless مثل if میتواند وسط دو جمله یا ابتدای جمله اول قرار گیرد.

Unless you try, you won't succeed.

تذکر:

If not = unless

If = unless not

مثال:

Unless you don't try, you **will** succeed = **Unless** you try, you **won't** succeed.

Would rather

قبلاً فعل Prefer را به معنی ترجیح دادن یاد گرفتیم و میدانیم که یک فعل اصلی است معادل این فعل در انگلیسی

would rather است که یک فعل کمکی است و در نتیجه کاربردهای متفاوتی با prefer دارد بدین شرح:

1) بعد از Prefer مصدر با to و اما بعد از would rather مصدر برهنه است.

I prefer to stay there.

مصدر با **Prefer + to** + فاعل

I would rather stay there.

مصدر برهنه + **would rather** + فاعل

2) اگر فاعل کاری را به کار دیگری ترجیح دهد با Prefer و would rather به صورتهای زیر بیان می کنیم.

I prefer to go rather than to stay.

مصدر با **rather than + to** + مصدر + **Prefer + to** + فاعل

I would rather go than stay.

مصدر برهنه + **than** + مصدر برهنه + **would rather** + فاعل

در این حالت (2) اگر اسمی به اسم دیگری ترجیح داده شود طبیعتاً با would rather ممکن نیست بلکه با prefer ممکن است.

I prefer walking to staying.

I prefer apple to banana.

اسم مصدر / اسم + **to** + اسم مصدر / اسم + **prefer** + فاعل

3) اگر فاعلی ترجیح کاری را در گذشته نشان دهد با Prefer و would rather به صورت های زیر بیان می شود.

I Preferred to go.

مصدر با **to + Prefer + فاعل**

I would rather have gone.

would rather + have P.P + فاعل

4) اگر فاعلی کاری را برای کس دیگری ترجیح دهد با Prefer و would rather به صورتهای زیر بیان می کند.

I prefer him to go.

مصدر با **to + مفعول + prefer + فاعل**

I would rather him went.

گذشته ساده + **فاعل + would rather + فاعل**

as if – as though

این دو اصطلاح هر دو به معنی «مثل اینکه - گویی» وقتی بکار می رود که فاعلی مطمئن نباشد که کاری واقعیت

دارد بلکه گمان کند یا بیندازد که کاری حقیقت دارد مثلاً:

او طوری رفتار می کند که گوئی همسرش را دوست ندارد.

He behaves **as if** he didn't like his wife.

چون جملات بعد از **as if** و **as though** غیرواقعی هستند قانون آنها بدین صورت است

که اگر کاری برای زمان حال پنداشته می شود بعد از **as if** و **as though** زمان گذشته ساده بکار رود.

She speaks **as if** she knew the problem.

طوری حرف می زند که انگار مسئله را می داند.

اگر کاری برای زمان گذشته پنداشته شود بعد از **as if** و **as though** گذشته کامل بکار می رود.

He walked **as if** he had had a broken leg.

او طوری راه می رفت که انگار پایش شکسته است.

« in Case » (مبادا نکنه)

این اصطلاح وقتی بکار می رود که فاعلی کاری را انجام دهد. از ترس اینکه کار ناگوار دیگری صورت گیرد. مثلاً:

من یک چتر با خودم برمی دارم. مبادا باران بیارد.

I take an umbrella with me **in case** it rains.

In case: در جملات انگلیسی مختلفی بکار می رود.

حال ساده + {incase} + حال ساده/حال استمراری/حال کامل آینده/امر

Helen has left the door open, **in case** Her mother comes earlier.

گذشته ساده + {incase} + گذشته ساده/گذشته استمراری/گذشته کامل

She was running fast **in case** she missed the class.

Both

این کلمه به معنی هر دو میتواند در جمله های انگلیسی هم قبل از اسم بکار برود و هم بعد از اسم.

1) اگر قبل از اسم بکار رود به یکی از صورتهای زیر خواهد بود.

$\left. \begin{array}{l} both \ of \ the \\ both \ the \\ both \end{array} \right\} \text{ فعل + اسم}$
--

فعل + ضمیر + both of

Both students study hard.

Both of us study hard.

2) اگر بعد از اسم بکار رود در یکی از حالت های زیر خواهد بود.

فعل + both + اسم	The students both study hard.
فعل both + فعل کمکی + اسم	The students can both study hard.
فعل both + to be + اسم	The students are both studying hard.

both - بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آید.

حالت معلوم و مجهول : active & passive voice

کلمه Voice را تا حالا به معنی صدا شناخته ایم اما در معلوم و مجهول به معنی حالت است active یعنی فعال و passive یعنی گذرا .

جمله های مجهول به این علت passive نامیده می شوند که از سر فاعل می گذریم و در واقع مفعول را مطرح می کنیم .

جمله های معلوم را به این علت active می گویند که فاعل در آنها مطرح و فعال است .
حال ببینیم فاعل (Subject) چه انواعی دارد .

1- فاعل می تواند کننده کار باشد که به آن doer گویند .

مثال :

Hellen studies the book . . هِلن کتاب را می خواند .

2- فاعل می تواند کسی یا چیزی باشد که کار براو واقع شده باشد که چنین فاعلی در انگلیسی Subject Sufferer نام دارد مثلاً:

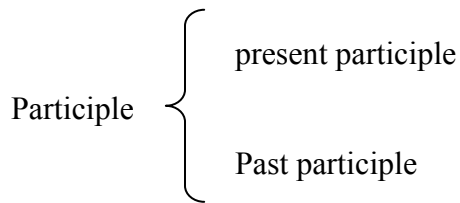
Hellen is seen by them.

3- فاعل می تواند هیچ یک از انواع بالا نباشد یعنی نه کاری را انجام داده باشد و نه کاری براو واقع شده باشد که چنین فاعلی را neither doer not sufferer گویند . مثال :

Hellen is a student.

در جمله های مجهول Subject از نوع sufferer است و در جمله های معلوم Subject از دو نوع دیگر است .

قبلاً یاد گرفتیم که صفت مخصوص اسم است . حال باید دانست که صفت فعل نیز وجود دارد که به آن participle صفت فاعل و یا صفت فاعلی و یا صفت مفعولی گویند .



صفت فاعلی: با اضافه کردن ing به آخر فعل حاصل می شود . مثل :

زندگی کردن	live → living = alive	زنده
دویدن	run → running	دوان

همه افعال صفت فاعلی دارند زیرا هر فعلی ناگزیر سوژه یا فاعلی دارد .

صفت مفعولی: در فعلهای با قاعده با اضافه کردن ed حاصل می شود و در فعلهای بی قاعده شکل خاص دارد .

مثال :

شستن	wash → washed	شسته شده
افتادن	fall → fallen	افتاده

همه فعلها صفت مفعولی ندارند بلکه فقط فعلهای متعدی صفت مفعولی دارند زیرا فعلهای لازم که مفعول نمی پذیرند نمی توانند صفت فاعلی داشته باشند .

البته گاهی اوقات در جمله بعد از یک فعل لازم ممکن است به یک مفعول برخورد کنیم . مثلاً :

I go with him .

در چنین حالتی باید دانست که go فعل لازم است و مفعول نمی پذیرد و him مفعول go نیست بلکه بخاطر حرف اضافه with شکل مفعولی گرفته .

مصدر مجهول

تا کنون مصدرهای مختلفی را یاد گرفتیم مثل مصدر ساده - استمراری - کامل نوع دیگری از مصدر وجود دارد که مصدر مجهول است و ساختمان آن بدین شکل است :

To be + p p

در جمله های مجهول فعل to be و p.p فعل حضور دارند .

طریقه تبدیل یک جمله معلوم به مجهول

گاهی جمله ای مطرح می شود و خواسته می شود تا آنرا به مجهول تبدیل کنیم . برای مجهول کردن یک جمله مثل :

He tells her.

باید مراحل زیر را طی کرد :

الف) ابتدا باید دید که آیا فعل جمله معلوم، متعدی است یا لازم زیرا اگر فعل لازم باشد قابل تبدیل به مجهول نیست .

ب) مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله مجهول منتقل کرده به صورت Subject sufferer در می آوریم

He tells her.

She -----.

ج) فاعل جمله معلوم را به انتهای جمله مجهول منتقل کرده بعد از **by** بکار می‌بریم در صورتیکه ضمیر باشد به شکل مفعولی خواهد بود.

He tells her.

She ----- by him.

د) فعل اصلی جمله معلوم را به صورت **p . p** در جمله مجهول بکار می‌بریم به صورت

He tells her.

She ----- told by him.

ه) فعل **to be** را متناسب با زمان جمله معلوم قبل از **p . p** در جمله مجهول بکار می‌بریم.

He tells her.

She is told by him.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- این ظرفها باید تا ساعت 5 روی قفسه چیده شود .
- 2- او می‌تواند فوراً در این اداره استخدام شود .
- 3- باید به مدیر قبلاً اطلاع داده می‌شد .
- 4- آن ماشین باید تا حالا فروخته شده باشد .
- 5- فکر می‌کنم که آن خانه بوسیله بمب ویران شده باشد .
- 6- آقای براون پارسال از آن اداره اخراج شد .
- 7- دستگیره این در بوسیله آن بچه شکسته شده است .

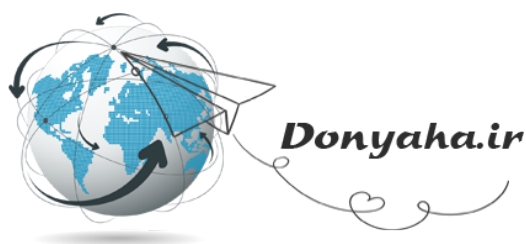
- 8- این کفشها پارسال دوخته شده اند .
- 9- این اتاق هم باید امروز رنگ شود .
- 10- بچه ها هر روز توسط آن زن به مدرسه برده می شوند .



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آن خبر دیشب از رادیو پخش شد .
- 2- آیا آن بیمار توسط آن پزشک جراحی شده است .
- 3- آمریکا در سال 1694 کشف شد .
- 4- فکر می کنم این ساختمان دو سال پیش ساخته شده است .
- 5- به من گفته شد که تو نخواهی آمد .
- 6- بچه ها از میان آتش به بیرون از ساختمان برده شده بودند .
- 7- آن نامه بوسیله مستخدم دیروز بعد از ظهر پست شد .
- 8- آن خانه به قیمت 80 میلیون تومان فروخته شده است .
- 9- کارتها بوسیله آقای براون منقش خواهد شد .



زمان هایی که قابل تبدیل به مجهول هستند

1- زمان حال ساده:

Helen **tells** Bob → Bob **is told** by Helen.

2- زمان گذشته ساده:

Helene **told** Bob → Bob **was told** by Helen.

3- زمان آینده ساده:

Helen **will tell** Bob → Bob **will be told** by Helen.

4- زمان حال استمراری:

Helen **is telling** Bob → Bob **is being told** by Helen.

5- زمان گذشته استمراری:

Helen **was telling** Bob → Bob **was being told** by Helen.

6- زمان حال کامل:

Helen **has told** Bob → Bob **has been told** by Helen.

7- زمان آینده کامل:

Helen **will have told** Bob → Bob **will have been told** by Helen.

8- زمان گذشته کامل:

Helen **had told** Bob → Bob **had been told** by Helen.

از بین 16 زمان انگلیسی 4 زمان آینده استمراری، حال کامل استمراری، آینده کامل استمراری و گذشته کامل استمراری قابل استفاده در حالت مجهول نیستند.

تبدیل یک جمله سئوالی معلوم به سئوالی مجهول

Did Hellen **study** the book ?

برای تبدیل به جمله سئوالی معلوم مثل

به صورت مجهول : ابتدا جمله را به مجهول خبری تبدیل می کنیم که می شود

The book **was studied** by Hellen .

سپس جمله حاصل را به صورت سئوالی تبدیل می کنیم .

Was the book **studied** by Hellen?

تبدیل یک جمله سئوالی معلوم که با کلمه پرسشی شروع شده باشد به مجهول

Where did Hellen take the book ?

برای تبدیل به جمله سئوالی معلوم مثل :

مجهول ابتدا جمله را صرف نظر از کلمه پرسشی تبدیل به سئوالی مجهول می کنیم.

Was the book taken by Helen.

سپس کلمه پرسشی را هر چه باشد البته به غیر از (whom,who) به ابتدای جمله مجهول منتقل می کنیم.

Where was the book taken by Helen?

البته who و whom در جملات مجهول شکل مخصوصی پیدا می کنند بدین صورت :

1- اگر جمله معلومی داشته باشیم که با کلمه پرسشی whom سئوالی شده باشد و بخواهیم آن را مجهول

کنیم طبق مراحل ابجد آن را مجهول می کنیم با توجه به این نکته که چون whom در جمله معلوم

مفعول را پرسیده در جمله مجهول شکل فاعل یعنی who پیدا می کند.

مثل :

Whom did Helen **invite**?

Who **was invited** by Helen?

و اگر جمله ای داشته باشیم که با کلمه پرسشی who شروع شده باشد مثل:

Who saw Helen?

و بخواهیم آن را مجهول کنیم باز هم برابر مراحل ابجد عمل می کنیم با این توجه که چون by whom در

آخر جمله معنی ندارد آنرا در ابتدای جمله مجهول به کار می بریم بدین صورت :

By whom was bob seen?



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آیا تمام پول در بانک پس انداز شد.
- 2- آن پیغام باید دیروز فرستاده می شد.
- 3- ویزای پدرم دیروز توسط سفارتخانه تجدید شد.
- 4- این کت و شلوار به وسیله کدام خیاط دوخته شده است.
- 5- این اطاق باید به وسیله مادرم تمیز شده باشد.
- 6- آن کلمه همیشه به عنوان صفت استفاده می شود.
- 7- آیا از این باغ به عنوان خانه استفاده می شود.
- 8- آن فرشها کجا شسته شده بودند.
- 9- غذا به وسیله خانم براون پخته شده است.
- 10- چشمهایش چه ساعتی معاینه شدند.

جای قیده‌ها در جملات مجهول :

1- قید تکرار: از قبل می‌دانیم که قید تکرار در جمله‌های معلوم قبل از فعل اصلی جمله به کار می‌رود مثلاً :

Helen **often** visits John.

در جمله‌های مجهول نیز قید تکرار قبل از فعل اصلی که به صورت p.p است به کار می‌رود.

John is **often** visited by Helen.

2- قید حالت : از قبل می‌دانیم که قید حالت در جمله معلوم بعد از مفعول به کار می‌رود. مثلاً :

Helen writes letters **carefully**.

در جمله‌های مجهول قید حالت قبل از فعل اصلی که به صورت p.p است به کار می‌رود بدین صورت :

The letters are **carefully** written by Helen.

2- **just** : از قبل می‌دانیم که **just** در کامل‌ها بعد از have یا had و قبل از p.p فعل اصلی به کار می‌رود.

مثلاً :

Helen has **just** written the letter.

در جمله مجهول **just** قبل از p.p فعل **be** و در واقع قبل از اولین p.p به کار می‌رود.

مثلاً :

The letter has **just** been written by Helen.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید و سپس آن جمله را مجهول کنید.

- 1- فکر می کنم که آن بچه این در را شکسته است.
- 2- آن لیوان شیر را همین الان برادر بزرگترم نوشید.
- 3- آیا پلیسها بالاخره آن جیب بر را دستگیر کردند؟
- 4- آنها ممکن است خانواده ما را هم دعوت کنند.
- 5- دکتر داشت چشمهای آن مریض را به دقت معاینه می کرد.
- 6- این پنجره را همین الان پدرم رنگ زده.
- 7- آن دو منشی نامه ها را آسانتر از این یکی تایپ می کنند.
- 8- آقای براون کارش را به طور کامل انجام نمی دهد.
- 9- آقای براون بچه هایش را خوب تربیت می کند.
- 10- دوستانم به فروشنده قبلاً گفته بودند.

مجهول کردن جملاتی که دارای دو مفعول هستند.

در بعضی از جملات فعل می تواند دارای دو مفعول باشد که یکی مستقیماً کار را تحویل می گیرد و دیگری مفعول غیر مستقیم که مستقیماً کار را تحویل نمی گیرد بلکه به واسطه مفعول مستقیم جنبه مفعول پیدا می کند.

I write the letter to him.

قابل ذکر است که در چنین جملات معمولاً مفعول مشخص، غیر مستقیم است و مفعول غیر مشخص مستقیم است . برای مجهول کردن چنین جمله هایی می توان دو نوع مجهول داشت زیرا دو مفعول وجود دارد.

The letter is written to him by me.

He is written the letter by me.

مجهول کردن جمله هایی که فعل حسی و حرکتی دارند.

به یاد داریم که بعد از فعل های حسی و حرکتی ابتدا یک مفعول و بعد مصدر برهنه به کار می رفت .

I saw Helen play.

در جمله های مجهول چون مفعول از بین دو فعل بر می خیزد تا subject suffer شود بین دو فعل اصلی to مصدری لازم است.

Helen was seen to play.

همانطور که می بینیم فقط در جملات مجهول فعل حسی و حرکتی مصدر با to به کار می رود.

مجهول کردن فعل امر :

برای مجهول کردن فعل امر از ترکیب زیر استفاده می شود:

let + مفعول + be + p.p

Open the door → let the door be opened.

جملات سببی یا وجه سببی :

جملات سببی به جمله هایی گفته می شود که در آنها فاعل سبب می شود تا فاعل دیگری کاری را انجام دهد مثلاً
من وادار می کنم و یا امیدوارم برادرم کفشها یم را واکس بزند.

ساختمان جمله های سببی در انگلیسی بدین صورت است.

مفعول اصلی + فعل اصلی (برهنه) + فاعل اصلی + **have** + فاعل مسبب

I **have** my brother **polish** my shoes.

و اگر فعل **get** استفاده شود فعل جمله سببی مصدر با **to** خواهد بود مثلاً :

مفعول اصلی + فعل اصلی **to** + فاعل اصلی + **get** + فاعل مسبب

I **get** my brother **to polish** my shoes.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- بده یک پنجره آهنی برای این اتاق درست شود.

2- قصد دارم بدهم کارگرها این اتاق را دوباره بسازند.

3- او داده بود اتاقش را رنگ آبی بزنند.

- 4- باید بدهم کفش تخت کفشم را تعمیر کند.
- 5- او داده است یک در چوبی برای مغازه اش درست شود.
- 6- من می خواهم بدهم خانه ام تزئین شود.
- 7- من به اندازه کافی پول دارم که بدهم باغچه ام درست شود.
- 8- هلن می خواست بدهد یک در چوبی درست شود.
- 9- من قرار است آن مرد را وادار کنم که برفهای آن پشت بام را پارو کند.
- 10- تو باید بدهی مأمور فنی همه این چراغها را تعمیر کند.

مجهول جملات سببی

برای مجهول کردن جملات سببی از ترکیب زیر استفاده می شود.

p.p فعل اصلی + مفعول اصلی + have/get + فاعل سبب

I have my shoes polished.

نقل قول reported speech

نقل یعنی بیان کردن و قول یعنی سخن پس نقل قول یعنی بیان کردن سخن کس دیگر برای بیان کردن سخن یا گفته یک گوینده دو طریق وجود دارد یک طریقه مستقیم و یک طریقه غیر مستقیم.

1. نقل قول مستقیم (direct speech)

اگر حرفهای گوینده ای را بدون دخل و تصرف برای کس دیگری مستقیماً نقل کنیم آن را به روش مستقیم نقل می‌کنیم در این حالت جمله گوینده می‌تواند یکی از چهار نوع جمله زیر باشد.

Helen says, "I live in Tehran". 1- جمله خبری مثل :

Helen says, "where do you live?" 2- جمله سؤالی مثل :

Helen says, "open the window". 3- جمله امری است :

Helen says, "what a nice car it is" 4- جمله تعجبی است :

می‌توان فعل گزارش گر و فاعل آنرا در انتهای نقل قول مستقیم به کار برد به این صورت :

"I live in Tehran," Helen says.

"Where do you live?" Helen says.

"Open the window," Helen says.

"What a nice car it is!" Helen says.

حتی میتوان در این حالت فعل را بر فاعل مقدم کرد البته به شرط اینکه فاعل ضمیر باشد نه اسم مثلاً :

"I live in Tehran," Says she.

نقل قول غیر مستقیم Indirect speech

اگر در سخن یا گفته گوینده ای دخل و تصرف شود نقل قول به طریقه غیر مستقیم انجام شده . معمولاً یک جمله نقل قول مستقیم می شود و می خواهند آن را تبدیل به نقل قول غیر مستقیم که قوانین آن بدین شرح است:

تبدیل یک نقل قول مستقیم خبری به غیر مستقیم .

اگر لازم شود یک جمله مستقیم خبری مثل جمله زیر را به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کنیم :

Helen said, "I live in Tehran."

باید قواعد و مراحل زیر را طی کرد.

الف) حذف comma و کوتیشن مارک و انتخاب رابط صحیح (که در نقل خبری that خواهد بود) بدین صورت :

Helen said that ...

ب) تغییر ضمایر و صفات ملکی به تناسب :

Helen said that she ...

ج) اجرای تطابق زمان به شرطی که فعل گزارش گر گذشته باشد بدین صورت :

Helen said that she lived in Tehran.

د) تغییر بعضی از اصطلاحات زمان و مکان و صفات اشاره و بعضی از فعلها به شرطی که فعل گزارشگر گذشته باشد.

توضیح : در مورد اجرای تطابق زمان در نقل قول غیر مستقیم 12 زمان انگلیسی به صورتهای زیر به کار می روند:

1) زمان حال ساده تبدیل به گذشته ساده می شود. مثلاً:

Helen said to bob, "I **know** your father".

Helen told Bob that she **knew** his father.

2) زمان حال استمراری تبدیل به گذشته استمراری می شود. مثلاً:

My father said to me, "I **am listening** to you."

My father told me that he **was listening** to me.

(3) زمان حال کامل تبدیل به گذشته کامل می شود. مثلاً:

The boy said to the girl, "I **haven't seen** your book."

The boy told the girl that he **hadn't seen** her book.

(4) زمان حال کامل استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری. مثلاً:

My friend said, "I **have been living** here for ten years."

My friend said that he **had been living** here for ten years.

(5) زمان آینده ساده تبدیل به آینده در گذشته ساده می شود. مثلاً:

The man said to the woman, "I **will see** you."

The man told the woman that he **would see** her.

(6) زمان آینده استمراری تبدیل به آینده در گذشته استمراری می شود. مثلاً:

Ahmad said, "I **will be working** on Friday."

Ahmad said that he **would be working** on Friday morning.

(7) زمان آینده کامل تبدیل به آینده در گذشته کامل می شود. مثلاً:

Bob said, "I **will have finished** the book on April."

Bob said that he **would have finished** the book on April.

(8) زمان آینده کامل استمراری تبدیل به آینده در گذشته کامل استمراری می شود. مثلاً:

Bob said, "I **will have been studying** for two years by April."

Bob said that he **would have been studying** for two years by April.

(9) زمان گذشته ساده تبدیل به زمان گذشته کامل می شود. مثلاً:

My father said to me, "I **saw** your umbrella."

My father told me that he **had seen** my umbrella.

یاد آوری: می توان در نقل قول غیر مستقیم زمان گذشته ساده را به همان صورت گذشته نگه داشت و تبدیل به گذشته کامل نکرد. مثلاً:

My father told me that he **saw** my umbrella.

10) زمان گذشته استمراری تبدیل به گذشته کامل استمراری می شود. مثلاً:

Bob said, "I **was listening** to the music."

Bob said that he **had been listening** to music.

نکته: دو زمان گذشته کامل و گذشته کامل استمراری در نقل قول غیر مستقیم تغییر نمی کند و به همان صورت باقی می ماند. مثلاً:

The woman said, "I **had left** home."

The woman said that she **had left** home.

Bob said, "I **had been playing** for two hours."

Bob said that he **had been playing** for two hours.

فعل گزارشگر در نقل قول خبری

در صورتی که در قسمت فعل گزارشگر (reporting tag) مفعول وجود داشته باشد ، در نقل قول مستقیم می توان به دلخواه از say to یا tell استفاده کرد. مثلاً:

Helen said to/told Bob, "I know your father."

اما در نقل قول غیر مستقیم خبری say to بکار نمی رود بلکه از tell استفاده می شود. مثلاً:

Helen told Bob that she knew his father

« تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی به غیر مستقیم »

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی مانند جمله زیر به غیر مستقیم:

Helen said to me, “where do you live?”

مراحل ذکر شده (اجد) را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جملاتی خود کلمات wh هستند

بدین صورت :

Helen asked me **where** I lived.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید بعد آنها را به نقل قول مستقیم تبدیل کنید .

- 1- فروشنده به مشتری گفت که چند کیلو چای می خواهد .
- 2- مرد از همسرش پرسید که کلاهش را کجا دیده است.
- 3- معلم به محصل ها گفت که پنج شنبه درس 2 را از آنها خواهد پرسید.
- 4- آقای براون به من گفت که ممکن است در آن جلسه شرکت کند.
- 5- سوزان به دوستانش گفت که آن فیلم را دوست ندارد.
- 6- آنها از ما پرسیدند که در کدام خانه زندگی می کنیم .
- 7- شاگرد از معلمش پرسید که چه ساعتی باید در کلاس باشد .
- 8- مدیر به منشی گفت که نمی تواند ساعت 5 به او تلفن بزند .
- 9- ما از همسایه مان پرسیدیم که در را چطور باز کرده است .
- 10- بچه ها به من گفتند که آن شیشه را نشکسته اند .

طریقه تبدیل نقل قول مستقیم سئوالی که با کلمه پرسشی شروع نشده به غیر مستقیم:

طریقه تبدیل یک قول مستقیم سئوالی مثل جمله زیر به صورت غیر مستقیم.

Helen said to Bob, “do you live in Tehran?”

مراحل ذکر شده ابجد را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جمله هایی if و whether هر دو به

معنی (که آیا) است مثلاً :

Helen asked Bob if he lived in Tehran.

فعل ناقل یا گزارشگر نیز در چنین جمله هایی به علت سئوالی بودن جمله ask می شود همچنین باید دانست که

بعد از if و whether جمله به صورت سئوالی به کار نمی رود بلکه خبری است.

تبدیل نقل قول مستقیم امری به غیر مستقیم :

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم امری مانند جمله زیر به شکل غیر مستقیم :

Helen said to Bob, “**open** the door.”

مراحل ذکر شده قبل را طی می کنیم با این تفاوت که در چنین نقل قولهایی کلمه رابط (to) و در صورتی که فعل

امر منفی باشد (not to) خواهد بود مثلاً :

Helen told Bob **to open** the door.

Helen said to Bob, “**don’t open** the door.”

Helen told Bob **not to open** the door.

در صورتیکه در نقل قول مستقیم علاوه بر فعل امر یک جمله یا دو جمله یا چند جمله دیگر نیز پیروی کرده باشند

مثلاً:

Helen said to Bob, “**open** the door before you come in.”

در این حالت در جمله غیر مستقیم فقط فعل امر با to ربط پیدا می کند و جمله های پیرو مشمول تطابق زمان می

شود بدین صورت :

Helen told Bob **to open** the door before he comes in.



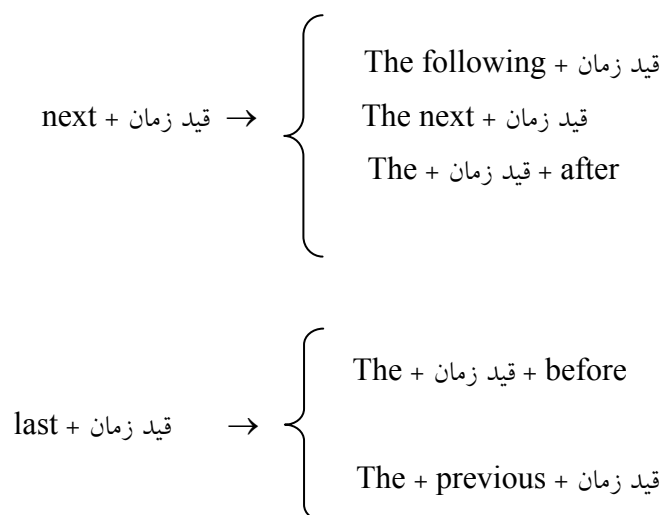
تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من قصد داشتم بدهم موتور ماشینم بازدید شود اما وقت کافی پیدا نکردم.
 - 2- او گفت که می خواهد بدهد خانه اش تزئین شود.
 - 3- بده کفشهایت برق انداخته شود و موهایت کوتاه شود.
 - 4- او باید قبل از عروسی بدهد کت و شلوارش اطو شود.
 - 5- ما مجبور خواهیم بود که بدهیم ماشینهایمان را رنگ بزنند.
- جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید و بعد به نقل قول مستقیم تبدیل کنید.
- 1- قاضی از مرد پرسید که آن تصادف را در چه ساعتی دیده است.
 - 2- پلیس به دزد گفت که دستهایش را بالا ببرد و رو به دیوار بایستد.
 - 3- فرمانده به سربازها دستور داد که بعد از اینکه به رودخانه رسیدند چادرها را برپا کنند.
 - 4- ما به دوستانمان گفتیم که در خیابان شلوغ فوتبال بازی نکنند.
 - 5- معلم از شاگردها پرسید که آیا همه تکالیف را انجام داده اند؟

تغییر اصطلاحات زمان و مکان در نقل قول غیر مستقیم :

به شرط اینکه زمان و مکان گزارش دهنده با زمان و مکان گوینده قول مستقیم تغییر کرده باشد بعضی از اصطلاحات زمان و مکان و صفات اشاره به صورت زیر تغییر می کند.



today → that day
 tonight → that night
 now → then
 here → there
 come → go
 this → that

Helen said to Bob, "I **will meet** you **next week**."

Helen told Bob that she **would meet** him **the next week**.

طریقه تبدیل نقل قول مستقیم تعجبی به غیر مستقیم :

قبل از اینکه در مورد نقل قول چنین جملاتی بحث شود لازم است ابتدا یاد بگیریم که جملات تعجبی چگونه بیان

می شوند. جمله تعجبی یا برای تعجب از اسم به کار می رود که الگوی آن بدین صورت است:

What a nice car it is!

! فعل + ضمیر / اسم + اسم + صفت + what + a/an

و یا برای تعجب از فعل و انجام کاری بیان می شود که الگوی آن بدین شکل است :

! فعل + ضمیر / اسم + قید + how

How slowly she drives!

برای تبدیل یک نقل قول مستقیم تعجبی مثل این جمله

Helen said, "how slowly the man works!"

مراحل ذکر شده ابجد را طی می کنیم با این تفاوت که کلمه ربط در چنین جملاتی با what و یا how خواهد بود

Helen exclaimed how slowly the man worked.

اسم مصدر (gerund)

اسم مصدر در انگلیسی اسمی است که از فعل مشتق شده است و ساختمان آن بدین صورت است که به آخر هر فعل ing اضافه شود به اسم مصدر تبدیل می شود.

زندگی کردن	live → living	زنده
بودن	be → being	بود، هستی، وجود

کاربردهای اسم مصدر در انگلیسی عبارتند از :

1- هر گاه لازم شود بعد از حرف اضافه فعل به کار رود باید اسم مصدر باشد نه مصدر با to . دلیل آن نیز

این است که حرف اضافه همیشه قبل از اسم است مثلاً :

After locking the door, I left home.

She is afraid of telling lies.

2- هر گاه لازم شود جمله ای با مصدر شروع شود چون نمی توان مصدر با to را به عنوان فاعل جمله به

کار برد آنرا تبدیل به اسم مصدر می کنیم:

~~To swim~~ here is enjoyable.

Swimming here is enjoyable.

3- بعد از افعال مشخص در انگلیسی اگر فعل به کار رود باید تبدیل به اسم مصدر شود:

avoid	اجتناب کردن	defer	به تعویق انداختن - لغو کردن
appreciate	تحسین کردن	delay	به تأخیر انداختن
admit	پذیرفتن	advise	نصیحت کردن
discuss	بحث کردن	detest	تنفر داشتن
consider	بررسی کردن	enjoy	لذت بردن
can't help	چاره نداشتن	finish	تمام کردن

deny	انکار کردن	forgive	عفو کردن
forbid	قدغن کردن	include	شامل شدن
imagine	تصور کردن	keep	ادامه دادن
mention	یادآوری کردن	oppose	مخالفت کردن
mind	اهمیت دادن	quit	ترک کردن
postpone	لغو کردن	risk	به خطر انداختن
practice	تمرین کردن	remember	به خاطر سپردن
resume	از سر گرفتن	stop	دست کشیدن
suggest	پیشنهاد کردن	tolerate	تحمل کردن
		understand	فهمیدن

I enjoy reading the newspaper.

نکته مهم : چون اسم مصدر جنبه اسم دارد پس می تواند بعد از صفت ملکی یا حتی (s) به کار رود مثلاً :

I appreciate her **speaking**.

I appreciate Helen's **speaking**.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را ترجمه نموده و بعد آنها را به مجهول تبدیل کنید :

- 1- فکر می کنم آن بچه آن در را شکسته است.
- 2- مدیر دیروز آقای براون را از این اداره منتقل کرد.
- 3- او کیفش را پشت در گذاشته بود.
- 4- دکتر دارد چشم بچه را معالجه می کند.
- 5- قصد دارم بدهم یک در چوبی نجار برای این اطاق درست کند.



تمرین جملات فارسی :

- جملات زیر را ترجمه کنید و آنها را به نقل قول مستقیم تبدیل کنید.
- 1- فروشنده از مشتری پرسید که کدام پیراهن را دوست دارد انتخاب کند.
 - 2- معلم از شاگردان پرسید که چرا آن دیالوگ را حفظ نکرده اند.
 - 3- مرد از آن بچه پرسید که آیا آن آدرس را می داند.
 - 4- او به دوستش گفت ممکن است روز جمعه به باشگاه برود.
 - 5- آقای براون به همسرش گفت که برای نهار تاس کباب درست کند.

باید دانست که : چون بعد از این فعلها اسم مصدر به کار می رود گاهی لازم می شود قبل از آن اسم یک صفت ملکی و یا یک اسم دیگر با (s) به کار می رود.

I appreciate her working.

I appreciate Helen's working.

فعلهایی که می توان بعد از آنها اسم مصدر به کار برد و هم مصدر با **to**:

تعدادی از افعال انگلیسی مثل **prefer** و **start** و **plan** می توانند هم با اسم مصدر به کار روند هم با مصدر با **to**

که در معنی اشان تغییری پیدا نمی شود. مثال:

Helen prefers to go.

Helen prefers going.

اما دو فعل **stop** , **remember** نسبت به شکل فعلی که بعدشان به کار می رود معانیشان فرق می کند به این

صورت:

الف) اگر بعد از **stop** اسم مصدر به کار رود معنی جمله اینست که فاعل از کار بعد از **stop** دست کشیده یا می

کشد یا خواهد کشید. مثلاً:

من از صحبت کردن با مرد دست می کشم.

I stop speaking to the man.

اما اگر بعد از **stop** مصدر با **to** به کار رود معنی جمله این است که فاعل از کار قبل دست برداشته یا بر می دارد،

یا خواهد برداشت تا کار بعد از **stop** را شروع کند.

من ایستادم تا با مرد صحبت کنم .

I stopped to speak to the man.

ب) اگر بعد از **remember** اسم مصدر به کار رود معنی جمله این است که فاعل کار بعد از **remember** را به

صورت تصویری از گذشته در وجود به ظاهر می آورد.

هلن بستن در را به یاد می آورد.

Helen remembers locking the door.

اما اگر بعد از **remember** مصدر با **to** به کار رود معنی جمله این است که فاعل یادش می ماند که کار بعد از

remember را انجام دهد و آن را فراموش نمی کند. در واقع این **remember** مترادف با (**not forget**) است

مثلاً:

هلن یادش می ماند که در را قفل کند .

Helen remembers to lock the door.

بحث دیگر :

اگر در این حالت در دو جمله متوالی فاعل واحدی دو فعل را همزمان انجام نداده باشند بلکه بین فعل جمله اول و فعل جمله دوم یک فاصله زمانی وجود داشته باشد مثلاً:
she parked the car. She went shopping.

در این حالت برای پیوند دو جمله فعل جمله اول را تبدیل به صفت فاعلی کامل می کنیم . (Present

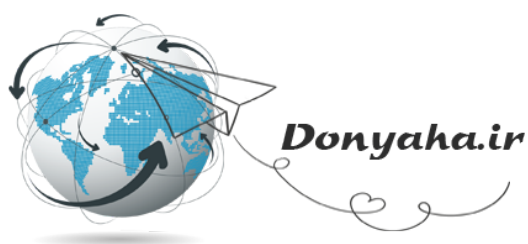
perfect) که ساختمان آن بدین شکل است:

Have + ing + p.p

مثال:

(after) having parked the car, she went shopping.

پایان



زمان حال استمراری

زمان حال استمراری : کاری که در زمان حال به صورت استمرار انجام می شود.

طرز ساخت : در زبان فارسی اگر به حاضر ساده علامت دارم-داری- دارد-داریم-دارید-دارند و یا علامت

«در حال» اضافه کنیم حاضر استمراری به دست می آید در انگلیسی اگر بیاییم به حاضر ساده علامت **be + ing**

اضافه کنیم به ما حال استمراری می دهد.

subject + to be + verb + ing

حال استمراری

تذکر مهم : **be** عبارتند از **are, is, am** که بین فاعل و فعل اصلی می آید و **ing** بلافاصله بعد از فعل اصلی

می آید .

تغییرات در زمان حال استمراری : به وسیله **am , is , are** انجام می شود.

نشانه های حال استمراری :

الف: وجود **are, is, am** بین فاعل و فعل اصلی

ب: وجود **ing** در آخر فعل اصلی

ج: وجود قیود زمان در آخر جمله از قبیل

now

حالا

at present

حال- در حال حاضر

for the time being

در این لحظه- فعلاً

at the moment

در این لحظه

This morning

This year

This week

د: وجود افعال امری هشدار دهنده مثل:

look	نگاه کن	hush up!	ساکت باش
listen	گوش کن	stop	بایست
be careful	با دقت باش	keep	مواظب باش

Listen! Someone's knocking the door گوش کن - یک نفر داره در می زنه!

Look! Someone is coming.

Be careful he is eavesdropping. مراقب باش داره استراق سمع میکنه!

چند تذکر مهم :

1- افعالی مانند like-know-understand-want-ing نمی گیرند.

2- افعالی که به y ختم می شوند در موقع ing گرفتن y حذف نمی شود و ing به آخرش می چسبد.

Play → playing

Study → studying

Carry → carrying

3- افعالی که به e ختم می شوند در موقع ing گرفتن e حذف می شود و به جای آن ing می نشیند به جز فعل

be که e آن حذف نمی شود.

Come → coming

Take → taking

Have → having

Be → being

4- افعالیکه یک بخشی هستند و به حرف بی صدا ختم می شوند اگر قبل از حرف بی صدا فقط یک حرف صدا دار داشته باشند (a,e,i,o,u) در موقع ing گرفتن حرف آخر تکرار سپس به آن ing اضافه می شود.

Sit → sitting

Put → putting

Read → reading

5- افعالیکه به ie ختم می شوند در موقع ing گرفتن ie تبدیل به y می شود سپس به آن ing اضافه می شود.

tie → tying بستن

die → dying مردن

lie → lying لم دادن - دراز کشیدن

زمان گذشته ساده

تعریف: کاری است که در گذشته انجام گرفته و تمام شده.

طرز ساخت : اگر به حال ساده ed یا ied اضافه کنیم گذشته ساده به دست می آید.

افعال در گذشته دو دسته اند:

افعال :

1- بی قاعده: (شکل عوض می شود): see → saw

2- با قاعده: (ed-ied) work → worked

do → did

am , is → was

are → were

have → had

go → went

come → came

see → saw

تغییرات در گذشته: به عهده فعل کمکی did می باشد.

تذکر بسیار مهم : وقتی که did یا didn't می آید ed یا ied حذف و اگر فعل بی قاعده باشد به حالت اول

خود بر می گردد.

نشانه های گذشته ساده:

1- وجود ed یا ied و تغییر شکل فعل در افعال بی قاعده.

2- وجود قیود زمان مانند:

last day و yesterday → که در آخر جمله می آیند

the other day → چند روز قبل

two days ago → دو روز قبل

in + تاریخ → برای تاریخ گذشته به کار می رود (in 1920)

تذکر مهم : اگر در یک جمله دو فعل داشته باشیم فقط فعل اولی به گذشته تبدیل می شود.

تذکر : افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حروف صدادار داشته باشند برای تبدیل به گذشته فقط ed می گیرند.

play → play**ed**

stay → stay**ed**

*say → said

*pay → paid

و افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حروف صدادار نداشته باشند برای تبدیل به گذشته y را برمی داریم و تبدیل به i می کنیم سپس ed اضافه می کنیم که ied می شود.

carry → carry**ed**

study → stud**ied**

try → tri**ed**



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آنها کمک کردند به ما در کلاس ساعت 2 دیروز
- 2- ما دیدیم شما را در پارک ساعت 5 هفته گذشته
- 3- ما میخواستیم برویم مدرسه چند روز پیش
- 4- ما دوست داشتیم مؤدب باشیم در کلاس در سال 1367
- 5- ما خسته بودیم دیروز
- 6- پسر پارسال تنبل بود

پاسخ:

- 1-They helped us in the class at 2 o'clock yesterday.
- 2-We saw you in the park at 5 o'clock last week.
- 3- We wanted to go to school the other day.
- 4-We liked to be polite in the class in 1367 year.
- 5- We were tired yesterday.
- 6- The boy was lazy last year.

To Do

You did. Did you do?
فاعل فعل اصلی اصلی کمکی

He does. Does he do?
Did he do? Yes he did.

You had to go. 1- تو مجبور بودی بروی.

Did you have to go? سؤالی

You didn't have to go منفی

2- او مجبور است برود.

He has to go.

Does he have to go? سؤالی

3- او مجبور بود درس بدهد.

He had to teach.

Did he have to teach?

4- پدرم دیروز اینجا بود .

My father was here yesterday.

5- والدینشان مهربان بودند پارسال.

Their parents were kind last year.

6- من پارسال معلم بودم.

I was teacher last year.

7- آنها داشتند درس می خواندند وقتی که پدرم آمد

They were studying when my father came in.

8- برادرم داشت پیانو می زد وقتی که معلمش در زد

My brother was playing the piano when his teacher rang.

9- والدینشان داشتند اخبار تماشا می کردند وقتی که باران آمد.

Their parents **were** watching the news when it was raining.

تذکر: هر گاه در جمله **when** داشته باشیم و دو عمل همزمان و با هم صورت گرفته بود هر دو جمله گذشته

استمراری می شوند.

امری کردن فعل :

در زبان انگلیسی اگر ما بیائیم (to) ی مصدری را برداریم و یا اگر بیائیم you را برداریم فعلی که باقی می

ماند امری است . برای احترام بیشتر ما می توانیم از کلماتی مثل کلمات زیر استفاده می کنیم:

please →

لطفاً

will you (please) →

اگر امکان دارد (لطفاً)

would you →

اگر زحمتی نمیشه

could you →

اگر اشکالی نداره

تست کنکوری :

would you mind + فعل ing دار

do you mind + فعل ing دار

اگر جمله ما منفی بود و دارای you بود you را حذف کنیم فعل امر منفی به دست می آید .

- این قانون در مصدر to be بدین صورت است وقتی که you را بر می داریم aren't تبدیل به don't be

می شود برای تأکید بیشتر در امر منفی یک again در آخر جمله به کار می رود .

you don't go (امر منفی) → don't go again (تأکید بیشتر)

you aren't (امر منفی) → don't be again (دیگر نباشی ها)

don't (you) ever go (again). (دیگر هرگز نری ها)



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- لطفاً اینجا درس بخوان هر روز .
- 2- لطفاً یک نامه بنویس.
- 3- اگر زحمتی همیشه انگلیسی صحبت کن.
- 4- اگر امکان برای شما دارد به معلم گوش بدهید.
- 5- لطفاً اینجا مؤدب باش.
- 6- لطفاً خوشحال باش.
- 7- اینجا دیگه فوتبال بازی نکن.
- 8- دیگه در رو باز نکن.
- 9- دیگه رو تخته ننویس.
- 10- دیگه تنبل نباش.
- 11- دیگه بد اخلاق نباش.
- 12- دیگه بی ادب نباش.

پاسخ:

- 1-Please study here every day.
- 2-Please write a letter.
- 3-Would you please speak English.
- 4-Would you mind listening to the teacher.
- 5-Please be polite here.

- 6-Please be happy.
- 7-Don't play football here again.
- 8-Don't open the door again.
- 9-Don't write on the black board again.
- 10-Don't be lazy again.
- 11-Don't be bad temper again.
- 12-Don't be rude again.

مرور:

1- من هر روز اینجا کار می کنم .

I work here every day.

I am working here now.

حاضر استمراری

I worked here yesterday.

گذشته ساده

I was working here yesterday.

گذشته استمراری

Work here every day.

امری

2- پدرم فردا ماشین می خرد.

My father will buy a car tomorrow.

3- سال آینده قبول می شوم.

I will pass in the next year.

4- آنها تا سه هفته دیگه اینجا خواهند بود.

They will be here in three weeks.

5- ما بزودی پیروز می شویم.

We will win soon.

6- شما دیر یا زود زرنگ خواهید شد.

You will be clever sooner or later.

7- علی بعداً درس می خواند

Ali will study later.

زمان آینده ساده: Simple future tense

زمان آینده : کاری است که در زمان آینده انجام خواهد شد.

طرز ساخت : بقیه جمله + فعل اصلی + will / shall + فاعل

برای اول شخص مفرد و اول شخص جمع بیشتر به جای (will) می توانیم از shall هم استفاده کنیم .

نشانه های زمان آینده ساده:

الف) وجود فعل کمکی will و یا shall بین فاعل و فعل اصلی

ب) وجود قیود زمان مثل فردا (tomorrow)

قیود زمان :

tomorrow فردا

soon به زودی

sooner or later دیر یا زود

three weeks تا سه هفته دیگر

next + زمان در آینده

in+ زمان (a week/ a year/ a month) تا یک هفته، یک سال، یک ماه دیگر

تغییرات در زمان آینده : به عمده فعل کمکی will یا shall می باشد که با not منفی می شوند و به شکل

won't و یا shan't در می آیند.

تذکر بسیار مهم: با کلمات زیر will یا shall به کار نمی رود.

if → اگر unless → مگر

when →	وقتی که	as long as →	مادامیکه
while →	وقتی که	suppose →	به فرض اینکه
before →	قبل از	as soon as →	بمحض اینکه
after →	بعد از	to pass →	قبول شدن
till →	تا		
until →	تا		

فرمولهای طرز ساخت :

زمان حال + before + آینده (I)

آینده و حال + before (II)

You **will pass** if you study.

If you study you **will pass**.

I **will call** you as soon as I get home.

As soon as I get home , I **will call** you.

ربط دو جمله

در زبان فارسی اگر بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم با (که) ربط می دهیم اما اگر در انگلیسی بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم به جای که از **that** استفاده می کنیم.

قانون (1) مفعول + فعل + فاعل + **that** + مفعول + فعل + فاعل

1. 2. 3 that 1. 2. 3

I know that you come.

می دونم که تو می آیی

قانون (2): اگر فاعل جمله دوم با فاعل و یا مفعول جمله اول برابر یا هم خانواده باشد در این صورت مجموعه فاعل و **that** جمله دوم حذف و به جای آن **to** می نشیند.

1. 2. 3 **that** 1. 2. 3 → 1. 2. 3 **to** 2. 3

I want you **that you** go → I want you **to** go

قانون (3): اگر جمله دوم ما منفی بود و فاعلش با فاعل و یا مفعول جمله اول هم خانواده بود یا برابر بود در این صورت مجموعه **that** و فاعل را و فعل کمکی منفی را برمی داریم و به جای آن **not to** می گذاریم.

I want you **that you don't** go.

I want you **not to** go.

تذکر: مصدر همیشه با **not** منفی می شود .

(to go → not to go)

(to be **or** not to be)

Not to go (نرفتن)

Not to come

not to write

قانون (4): اگر جمله اول دارای یکی از افعال زیر باشد بعد از اینکه **that** و فاعل را حذف می کنیم **to** را هم حذف می کنیم .

let اجازه دادن

I let you **that you** go. → I let you **to** go → I let you go.

make وادار کردن

I make you **that you** be. → I make you **to** be → I make you be.

see دیدن

help کمک کردن It helps ~~to~~ prevent

hear شنیدن

watch تماشا کردن

observe مشاهده کردن

feel احساس کردن

have داشتن

know شناختن

notice توجه کردن

قانون (5): اگر جمله اول ما دارای فعل حسی باشد در این صورت بعد از حذف مجموعه **that** و فعل هم خانواده فعل به صورت **ing** دار در می آید.

I see you **that you** go. → I see you **going** یا **go**.

I saw you **that you** go. → I saw you **going** یا **go**.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من از تو می خواهم که اینجا فوتبال بازی نکنی.
- 2- من خوشحال هستم که تو تنبل هستی.
- 3- آنها دوست دارند که انگلیسی صحبت کنند.
- 4- به تو اجازه می دهم که بخندی اینجا هر روز.
- 5- من تو را دیدم که داشتی درس می خواندی.
- 6- من تو رو می بینم که داری به معلم گوش می دهی.

1. want you not to play football here.
2. I am happy that you are lazy.
3. They like to speak English.
4. I let you laugh here every day.
5. I saw you studying.
6. I see you listening to the teacher.

دو کلمه say & tell

اگر گفتن به تنهایی بیاید و یا بعد از گفتن مفعول شخصی نیاید (گفتن) ترجمه می شود به say و گذشته آن said است.

اگر گفتن با حرف (به) همراه باشد و یا بعد از گفتن مفعول شخصی به کار رود (گفتن) ترجمه می شود به tell که گذشته آن told می باشد.

اگر گفتن با (را) همراه باشد (گفتن) ترجمه می شود به mean و گذشته آن meant است.

I mean you → ترا می گویم / منظورم تو هستی

تذکر بسیار مهم : می توانیم به جای tell از کلمه say to استفاده کنیم چون در موارد زیر حتماً tell به کار می رود.

to tell a lie → دروغ گفتن

to tell a story /tale داستان گفتن

to tell a fact → حقیقت گفتن

to tell a joke → جک گفتن

to tell the time → ساعت گفتن

to tell one's name → نام یکی را گفتن

to tell the fortune → فال گرفتن

to tell the difference → تفاوت چیزی را گفتن

to tell the news → اخبار گفتن

to tell the secret → رموز سر را گفتن

قیود زمان

بر دو دسته اند:

1- قیود معین 2- قیود نامعین

1- قیود معین : جای آنها در آخر جمله است مثل : every day هر روز

1- قیود نامعین : همان قیود تکرار هستند که عبارتند از :

often →	اغلب	usually →	معمولاً
always →	همیشه	hardly →	به سختی
seldom →	به ندرت	some times →	بعضی اوقات
generally →	معمولاً، عموماً	frequently →	غالباً
scarcely →	به ندرت	rarely →	به ندرت

نکته : برای سوالی ever به never تبدیل می شود .

قیود تکرار دارای 4 قانون است.

1- بین فاعل و فعل اصلی می آید.

من همیشه آنجا می روم. I always go there.

2- اگر در جمله فعل کمکی باشد قیود تکرار بعد از افعال کمکی می آیند . در واقع قید تکرار در صورت

وجود فعل کمکی و اصلی در جمله پس از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آیند.

آنها همیشه دیر می آیند . They are always late.

They can always play.

3- در انگلیسی وقتی که از ما سوال می شود ما دو نوع جواب می دهیم که یک جواب کوتاه و یک جواب بلند است همیشه در انگلیسی جواب کوتاه به وسیله افعال کمکی انجام می گیرد .

Do you often go there?

بله من اغلب می روم - من اغلب می روم به آنجا .

Yes I often do. - I often go there.

4- اگر جمله ما به وسیله افعال کمکی مورد تأکید قرار گیرد قیود تکرار قبل از افعال کمکی می آیند.

(این قانون را با قانون 2 اشتباه نکنید.) (فعل کمکی که برای تأکید استفاده می شود do می باشد.)

I always do go.

I never did go.

حرف تعریف

در زبان فارسی اگر بخواهیم اسمی را وارد جمله کنیم ممکن است به آن علامتی اضافه نکنیم .

آب ← آب می خواهم یا پول ← پول دارم

اما اگر در انگلیسی بخواهیم اسمی را وارد جمله کنیم به آن علائمی اضافه می کنیم که حروف تعریف گویند،

مهمترین حروف تعریف عبارتند از :

The که با اسمهای جمع و مفرد قابل شمارش می آید و (را- که - کسره) معنی می دهد و همچنین:

{	a-an	مفرد - قابل شمارش
	some	جمع - قابل شمارش
	any	در موقع سوالی - منفی و سوالی به کار می رود

She has a pen.

She has some pens

Dose she have any pen?

Doesn't she have any pen?

a , an دارای سه تبصره است :

1- اگر u با صدای کشیده خوانده شود (یو) حرف تعریف (a) می گیرد و اگر (u) با صدای کوتاه (آ) خوانده

شود حرف تعریف (an) می گیرد.

(a) → یو → u ← آ ← (an)

a university

یک دانشگاه

a used car یک ماشین کهنه

an umbrella یک چتر

an uncle یک عمو

2- اسامی که با (one) شروع می شوند (a) می گیرند:

A one story building.

A one eyed man.

A one celled animal.

3- اگر در اسم صدای (h) تلفظ شود حرف تعریف (a) می گیرد و اگر صدای (h) تلفظ نشود an می گیرد.

an hour یک ساعت (زمانی)

an honest man یک مرد درستکار

an honor man یک مرد پر افتخار

a hand یک دست

a hen یک مرغ

a hat یک کلاه

تذکر (1): حرف تعریف the با رشته کوهها - دریاها - رودخانه ها - جنگلها - خلیجها - صحراها می آید .

تذکر (2): با هر چیزی که در دنیا فقط یک عدد باشد حرف تعریف the می آید .

The god, The sun, The earth, The moon, The sky

• با جهت های جغرافیایی حرف تعریف The به کار می رود :

The north شمال

The south جنوب

The east	شرق
The west	غرب
The north pole	قطب شمال
The south pole	قطب جنوب

- با کتابهای مذهبی حرف تعریف The به کار می رود .

The bible انجیل

The koran قرآن

The torah تورات

تذکر مهم : بعد از کلمه made of هیچ گاه حرف تعریف نمی آید.

Butter is **made of** ~~the~~ milk.

- بعد از (s) حرف تعریف The نمی آید.
- بعد از اسامی شهر ها و استانها و همچنین کشور ها The به کار نمی رود.
- اگر کشورها به صورت ایالتی باشد حتماً The می گیرد .

The United States of America ایالات متحده آمریکا

The Soviet Union اتحادیه جماهیر شوروی

The Nether land هلند

ضمایر ملکی

ضمایری هستند که همراه با اسم نمی آیند بلکه به جای صفت ملکی و اسم بعد از آن می نشینند و عبارتند از :

مفرد	جمع
mine مال من	ours مال ما
yours مال شما	yours مال شما
his مال او (مذکر)	theirs مال آنها
hers مال او (مؤنث)	
its مال آن (شیء)	

It is my book → it is mine book.

ضمیر ملکی اسم صفت ملکی

حالت اضافی و یا مالکیت دو اسم :

حالت اضافه دو اسم در فارسی با قرار دادن کسره بین دو اسم انجام می شود ولی در انگلیسی ابتدا به اسم دوم

نگاه می کنیم اگر اسم دوم غیر شخص باشد از راست به چپ ترجمه می شود و کسره ترجمه می شود به (of)

the door **of** the class ← در کلاس

the legs **of** the table ← پایه های میز

- اگر اسم دوم ما شخص باشد در این صورت از چپ به راست ترجمه می کنیم و کسره ترجمه می شود

به (s')

Ali'**s** mother ← مادر علی

Ali'**s** book ← کتاب علی

- اگر اسم دوم ما جمع باشد به وسیله s یا es یا ies در این صورت از (s') فقط (,) را می نویسیم و (s)

را به کار نمی بریم .

the students'**s** parents ← والدین دانش آموزان

- اگر اسم دوم ما به صورت جمع بی قاعده باشد در این صورت (s') لازم است .

the children'**s** parents ← والدین بچه ها

- اگر اسم دوم ما قید زمان باشد در این صورت (s') لازم است.

today'**s** news ← اخبار امروز

tomorrow'**s** news ← اخبار فردا

ترجمہ «از» به انگلیسی

of-1 (از): از جزء به کل است و با اعداد همراه است.

One of the students

Five of the chairs

Ten **of** the cars

2- from : از تفکیک و جدایی و با مکان و زمان به کار می رود مثل :

Take the knife **from** the child.

Take the book **from** the desk.

I work here **from** morning to / till night.

I walk **from** here to/till my house.

from here to my house is 2 kilometers.

{	to be from	→	به معنی اهل جایی بودن
	to come from	→	به معنی اهل جایی بودن

out of -3: یعنی از داخل محیطی به خارج محیطی. مثال:

I go **out of** the class.

I pulled him **out of** the pool.

out of sight , **out of** mind از دل برود هر آنچه از دیده برفت.

ماشینم خراب است. my car is **out of** order

پیکار بودن. out of the work

تمرین نداشتن. out of the practice

4- **through** : یعنی از میان و یا از وسط و بین .

این رودخانه از وسط این روستا می گذرد.

The river passes **through** this village.

من میتونم ببینم از وسط شیشه.

I can see **through** the glass.

از میان لوله نگاه نکن.

Don't look **through** the pipe.

آب می گذرد از میان لوله.

The water passes **through** the pipe.

5- **than** : از برتری و مقایسه است و یا تفضیلی در انگلیسی بعد از علامت er در صفات یک بخشی و بعد

از more در صفات چند بخشی به کار می رود .

old → elder → eldest (پیر، پیرتر، پیرترین)

old → older → oldest

beautiful → more beautiful → the most beautiful (قشنگ، قشنگ تر، قشنگ ترین)

My brother is older **than** me.

6- **since** : چون که - زیرا که - از آنجایی که - به این دلیل که .

Since you are my friend I want to help you.

از آنجایی که تو دوست من هستی من می خواهم به تو کمک کنم .

Since he is a good worker, I want to employ him.

از آنجایی که او کارگر خوبی است من می خواهم او را استخدام کنم .

7- **how** : به معنی از کجا- چطوری به صورت استفهامی در اول جمله به کار می رود .

How do you know my name?

How do you know my address?

How do you know my telephone number?

to buy → at -8 از جایی خریدن .

to buy → from از کسی خریدن .

I bought the book from Ali.

I bought the book from my father.

I bought the book from my teacher.

I bought the bread at the baker's.

I buy the meat at the butcher's

Future Continuous Tense

« زمان آینده استمراری »

برای ساختن این زمان در انگلیسی کافی است که به جملات حال استمراری **shall** و یا **will** اضافه کنیم بنابراین فرمول زیر را خواهیم داشت.

Subject + shall /will + be + V.ing

I shall be working
I will be working
He/she/it will be working
You will be working
We shall be working
We will be working
They will be working

تغییرات : در این زمان به عهده دو فعل کمکی **shall** و **will** می باشد.

در ضمن این دو فقط با I, We بکار می روند.

I shan't be studying. you won't be going swimming.
Shall I be seeing you tomorrow?
Will you be coming here tomorrow?
Shan't I be working all day?
Won't they be watching TV tonight ?

کاربرد این زمان: در دو مورد زیر به کار می رود:

الف- دلالت بر انجام عملی می نماید که در زمان آینده در لحظه معینی در حال انجام می باشد مثل :

فردا صبح نشستیم در کلاس و داریم درس می خوانیم.

We will be sitting in the class and studying tomorrow morning.

ب- اگر اطمینان به انجام عمل به آینده داشته باشیم از این زمان استفاده می کنیم مثل :

I will be seeing you tomorrow
فردا می بینمت.

We will be having a test next week

هفته دیگر امتحان داریم.

نشانه های این زمان :

{ all + زمان → all day tomorrow
قید زمان آینده + لحظه معین → This time next session

At 7 o'clock next session

At 9 o'clock tomorrow/ tonight



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من اطمینان داشتم که آن کتاب متعلق به شما نیست.
- 2- من باید هر چه که او گفت انجام می دادم.
- 3- او گفت که نمی تونه در این موقع کمک کنه.
- 4- من نمیدونستم که تو می خواهی مرا اذیت کنی.
- 5- او فکر کرد که شما ممکن است نیایید اینجا.

1- I had to be sure that that book didn't belong to you.

2- I had to do every thing that he told me.

3- He said that he couldn't help me in this time.

4- I didn't know that you wanted to bother me.

5-He thought that you might not come here.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آیا فردا تمام روز را کار می کنی.
- 2- امشب ساعت 8 چه کار می کنی؟ دارم تلویزیون تماشا می کنم.
- 3- من فردا ساعت 3 می آیم. خوب منتظر تو هستم.
- 4- ما بهتره فردا بیرون بریم چون رضا تمام روز را می خواهد پیانو بزند.
- 5- آیا فکر می کنی وقتی ما برسیم اونها منتظرمان باشند.

- 1- Will you be working all the day tomorrow?
- 2- What will you be doing at 8 o'clock tonight? I am watching TV.
- 3- I will come at three o'clock good!/well! I will be waiting for you.
- 4- We had better go out because Reza will be playing the piano.
- 5- Do you think when we get there, they will be waiting for us.

Sequence of tenses

تطابق زمانها:

هر گاه چندین جمله به دنبال هم قرار بگیرند و جمله اول گذشته باشد سایر جملات نیز به گذشته تبدیل می

گردند. اگر چه در فارسی ممکن است اینطور نباشد. مثال:

مثال:

1- او گفت باید انجام بده هر چی را که داداش بزرگش میگه.

He said that he had to do whatever his elder brother said.

2- او خوب می دانست که حق ندارد من رو اخراج کند.

He knew well that he didn't have the right to fire me.

«Used to »

دلالت بر عملی می کند که در گذشته به صورت عادت و تکرار انجام می شده که در فارسی می توان آن را به

(سابقاً - قدیمها - اونروزها- جوانیها) ترجمه کنیم و برای سؤالی و منفی کردن آن از **did** استفاده می شود

مثال:

He **used to** smoke a lot.

او سابقاً زیاد سیگار می کشید.

Did you **use to** study here?

آیا تو سابقاً اینجا درس می خواندی.

I didn't **use to** see him very often.

من قدیمها او را زیاد نمی دیدم.

else where : یه جای دیگه

someone else : یک نفر دیگه

Used to : علاوه بر عادت و تکرار بیانگر وضعیت و موقعیت در گذشته می باشد.

مثال:

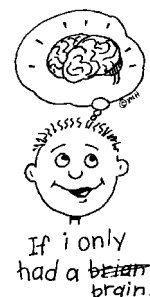
او سابقاً ناظم مدرسه بود اما حالا دیگه نیست

He **used to** be the dean of high school but he isn't now ,again.

توجه : به جای **used to** می توان **would** به کار برد فقط زمانی که عادت و تکرار مطرح باشد.

used to/would → عادت - تکرار

used to → موقعیت و وضعیت



else where : یه جای دیگه

someone else : یک نفر دیگه

مثال:

1- من هر وقت بی پول می شدم می رفتم پیش مادرم.

Whenever I needed some money, I used to/would go to my mother.

2- او سابقاً یک جای دیگه کار می کرد.

He used to work else where.

3- آیا پدرت قبلاً ماشین داشت؟

Did your father use to have a car?

4- من قبلاً تا دیروقت می خوابیدم اما الان زود بیدار می شوم.

I used to sleep late, but I get up early now.

5- ما سابقاً شهر دیگه ای زندگی می کردیم.

We used to live another the city.

6- سابقاً یک نفر دیگه ای معلم ما بود.

Some one else used to be our teacher.

تذکر:

فعل ing / اسم / ضمیر + **to be used to** یا **to get used to**

To be used to به مفهوم (عادت داشتن به) می باشد.

To get used to به معنای (عادت کردن به) می باشد.

مثال:

to take a nap : چرت زدن
to do exercises : ورزش کردن
or else : وگرنه



She is **used to** cats.

She is **used to** her mother.

She is **used to** taking a nap after lunch.

بعد از این دو می توان اسم ، ضمیر و یا فعل ing دار داشت used در این دو حالت برابر کلمه

accustomed به مفهوم عادت می باشد.

مثال:

بعضی از شماها عادت ندارید جلوی کلاس بایستید اما نگران نباشید کم کم عادت خواهید کرد.

Some of you aren't used to standing in front of the class but don't worry, gradually you will get used to it.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- این قدر سیگار نکش وگرنه بهش عادت می کنی.
- 2- من اصلاً خسته نیستم چون عادت دارم که ساعتها کار کنم.
- 3- او عادت دارد صبحها ورزش کند.

- 4- اولش ما به این معلم عادت نداشتیم اما بالاخره به او عادت کردیم.
- 5- او عادت دارد بعد از نهار یک چرت بزند.
- 6- آیا تو به زندگی در این محل عادت داری، نه عادت ندارم – نگران نباش بالاخره عادت می کنی.
- 7- او عادت دارد قبل از خواب کتاب بخونه.

1. I Don't smoke so much, or else you will get used to it.
2. I'm not tired at all. I'm used to working for hours.
3. He is used to doing exercises every morning.
4. At first, we weren't used to this teacher but , at last we got used to him.
5. He is used to take a nap after lunch.
6. Are you used to living in this area. No I am not (used to living here)
7. Don't worry, at last you get used to it.
8. He is used to reading book before sleeping.

« ضمیمه های سؤالی » Question tag

گاهی اوقات در فارسی برای تأکید حرف خود یا خواستن نظر شنونده در آخر جملات (مگه نه - مگه این طور

نیست - و هان) به کار می بریم که برای ترجمه آنها به یکی از دو روش زیر عمل می گردد:

1- اگر جمله ما مثبت باشد باید فعل کمکی و not را به صورت سؤالی منفی مخفف شده در آخر جمله قرار

بدهیم مثل :

1- باید از مقررات پیروی کنیم مگه نه؟ یا نباید پیروی کنیم؟

We must obey the regulations , **mustn't we?**

2- میتونه بهمون اعتماد کنه مگه نه؟ یا میتونه بهمون اعتماد کنه ، نمیتونه؟

He can trust us , **can't he?**

3- آن چرا که تو گفتی من باور کردم مگه نه؟ یا آن چرا که تو گفتی من باور کردم، نکردم؟

I believed what you said , **didn't I?**

2- در صورتی که جمله منفی باشد باید فعل کمکی و فاعل را به صورت سؤالی مثبت در انتهای جمله به کار

ببریم مثلاً

او از سگ نمی ترسد - مگه نه؟

She isn't afraid of the dog, **is she?**

آنها به او اتهام دزدی نزدند - مگه نه؟

They didn't accuse him of stealing, **did they?**

تو که دوست نداری بهت بگویند خنگ - مگه نه؟

You don't like to be called stupid, **do you?**

تبصره 1 : چون am not مخفف ندارد در زمینه های سؤالی از I aren't یا از am I not استفاده می شود

مثل :

من نسبت به تو وفادارم مگه نه؟

I am faithful to you, **aren't I?**

I am faithful to you, **am I not?**

من نسبت به بچه‌ها مهربانم مگه نه؟

I am kind to the children, **aren't I?**

تبصره 2: در ضمیمه‌های سؤالی به جای اسم از ضمایر فاعلی استفاده می‌شود و در صورتی که جمله ای با

there شروع شود از خود آن استفاده می‌کنیم مثال:

پول خوشبختی نمی‌آورد مگه نه

Money doesn't bring luck, **does it?**

شاگردان بیشتر مایلند بموندند مگه نه.

The students are willing to stay more, **aren't they?**

علی رضا بیرون منتظر است مگه نه.

Ali reza is waiting outside, **isn't he?**

امروز کلاس نیست مگه نه.

There is no class today, **is there?**

آن کتاب متعلق به تو نیست مگه نه.

That book doesn't belong to you, **does it?**

تبصره 3: هر گاه در جمله کلمات منفی مانند کلمات زیر داشته باشیم ضمیمه سؤالی آن مثبت خواهد بود.

Hardly / Never / Barely / No / Seldom/ None/ Rarely/ Little / Scarcely / Few

مثال:

این روزها پول به جایی نمی‌رسد؟ مگه نه.

Money goes nowhere nowadays, **does it?**

لیلا هیچ وقت دروغ نمی گوید.

Leyla never tells lise, **dose she?**

تبصره 4: جملاتی که با let's شروع می شوند (حالت پیشنهادی دارند) ضمیمه سؤالی شان shall we

خواهد بود مانند :

بیا بریم و همه چی رو بهش بگیم میای؟

Let's go to tell him every thing , **shall we?**

Let's study together, **shall we?**

تبصره 5: tag جملات امری چه مثبت چه منفی یکی از عبارات زیر خواهد بود:

Will you- would you- can you- could you

Do me a favor, **will you?**

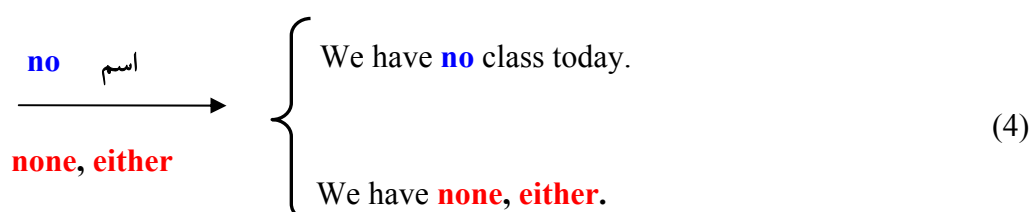
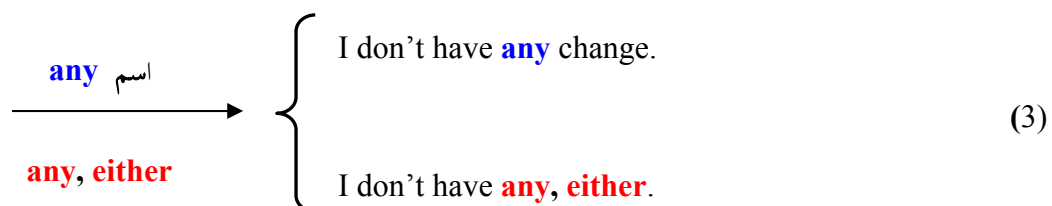
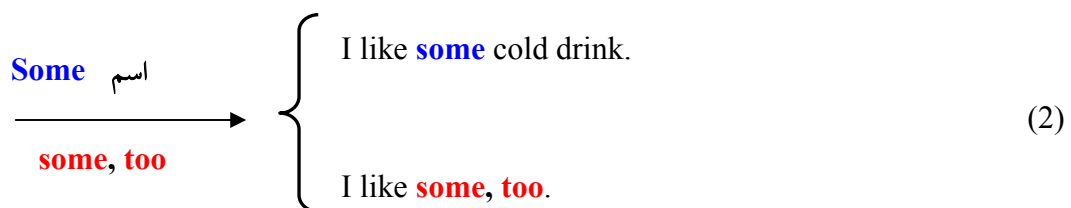
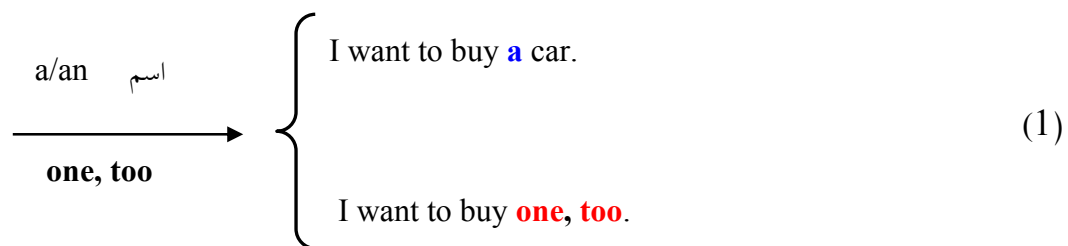
Come and see us, **will you?**

Don't be so stingy, **will you?**

Avoid Repatition

جلوگیری از تکرار اسم

هم در فارسی و هم در انگلیسی اسم قابل حذف می باشد متنها در انگلیسی پس از حذف اسم باید a و an را به one تبدیل کرد. Any & some تغییری نخواهد کرد و در صورتی که اسم با no منفی شده باشد در حالت حذف اسم از none استفاده می کنیم . هنگام جلوگیری از تکرار اسم کلمه (هم) وارد جمله می شود که در حالت مثبت به too و در حالت منفی به either ترجمه خواهد شد.





to know of: سراغ داشتن

to be willing: مایل بودن

party : مهمانی

1- من می خواهم یک مقداری میوه بخرم. من هم می خواهم بخرم.

I want to buy some fruit , I want to buy some too.

2- او دوستان خوبی در این کلاس دارد من هم دارم.

He has a lot of good friends in this class, I have some too

3- من وقت ندارم جواب تلفن را بدهم او هم ندارد.

I have no time to answer the telephone , he doesn't have any either.

4- من یک دکتر خوبی رو سراغ دارم . من هم یکی رو سراغ دارم.

I know of a good doctor, I know of one too

5- آنها هم مایل نیستند به آن مهمانی بروند.

They arent willing to go to that party , either.

The additions « جلوگیری از تکرار جمله »

در فارسی می توان با مجموعه « هم – همینطور » از تکرار جمله جلوگیری نمود که برای ترجمه آن به یکی از دو روش زیر عمل می کنیم:

{	فاعل + فعل کمکی + so → مثبت
	too + فعل کمکی + فاعل → مثبت
	فاعل + فعل کمکی + neither → منفی
	either + فعل منفی + فاعل → منفی

مثال:

1- او امروز سر حال است من هم همینطور.

He is in a good mood today, so am I/ I am too.

2- او سابقاً اینجا درس می خواند برادرش هم همینطور.

He used to study here, so did his brother/ his brother did too.

3- او مجبور نیست با شما کار کند – کارگرا هم همینطور.

He doesn't have to work with you, neither do the workers/ the workers don't either.

4- او فردا نمی آید کلاس دوستش هم همینطور.

He won't attend the class tomorrow, his friend won't either/ neither will his friend.

5- من از او تشکر کردم علی هم همینطور.

I thanked him, so did ali.

6- او به من سلام نداد داداشش هم همینطور.

He didn't say hello to me, neither did his brother.

7- او از دوستان قدیمی من است علی هم همینطور.

He is one of my old friends , so is ali .

8- ما هفته آینده امتحان خواهیم داشت ، آنها هم همینطور.

We will have a test next week , so will they.

9- من نمیتونم حرف های تو رو خوب بفهمم ، او هم همینطور.

I can't understand your words well , neither can he.

CAN → در آینده

اگر توانستن مفهوم اجازه و امکان را داشته باشد در آینده از خود **can** استفاده می شود. اما اگر قدرت و توانایی مطرح باشد باید از « **will be able to** » استفاده کرد.

(قدرت و توانایی) **can → will be able to** در آینده

(اجازه - امکان) **can → can** در آینده

1- تو می توانی فردا همراه من بیایی به شرط اینکه از پدرت اجازه بگیری.

You **can** come with me tomorrow, provided you ask your father's permission.

2- پایم بد جوری درد می کند نمی تونم فردا توی تیم بازی کنم.

My foot hurts painfully, I **won't be able to** play on the team tomorrow.

MUST → در آینده

اگر باید در آینده حالت امر و دستور داشته باشد و یا اینکه از طرف گوینده و یا شنونده مطرح گردد باید از خود **must** استفاده گردد. اما اگر امر و دستور نبود بلکه علت و دلیلی برای نیاز به کاری باشد در این حالت **will have to** بکار می رود.

(علت و دلیل برای نیاز به کاری) **must → Will have to** در آینده

(امر و دستور از طرف گوینده و شنونده) **must → Must** در آینده

1- تو باید هر چی که من می گویم انجام دهی وگرنه (والا) اخراجت می کنم.

You must do what I say, or else I will fire you.

2- اگر می خواهی توی امتحان کنکور قبول شوی باید حسابی مطالعه کنی.

If you want to pass in the university entrance examination , you will have to study hard.

WANT → در آینده

اگر خواستن به مفهوم احتیاج و نیاز باشد یعنی در اصل با اسم غیر مشخص همراه باشد از **will want** استفاده می کنیم.

و اگر خواستن با فعل همراه بوده و به مفهوم قصد و تصمیم باشد از **to be going to** استفاده می شود و در صورتی که خواستن با مفعول شخصی همراه بوده و به مفهوم انتظار داشتن باشد از فرمول زیر استفاده می شود.

مصدر + مفعول شخصی + want

want در آینده	expect	→	مصدر + مفعول شخصی + Want	انتظار داشتن، خواهش کردن
	intend	→	فعل + to be going to	تصمیم داشتن، قصد داشتن
	need	→	اسم غیر مشخص + will want	نیاز، احتیاج

مثال:

من هفته آینده پولم رو می خوام - می خوام یک ماشین بخرم - ازت می خوام پولم رو پس بدهی.

I will want my money next week - I'm going to buy a car- I want you to pay my money back.

Some & any

1- some به مفهوم (تعدادی - چند تایی - بعضی) قبل از اسامی قابل شمارش جمع و به مفهوم (مقداری - مقدار کمی - قدری) قبل از اسامی غیر قابل شمارش به کار رفته و در جملات منفی به any تبدیل می گردد.

مثال:

I want to buy **some** books. می خواهم تعدادی کتاب بخرم.

some people say that he is crazy. تعدادی از مردم گفتند که دیوانه است.

There is **some** cold water in the jar. مقداری آب خنک در کوزه وجود دارد.

why didn't you eat **any** fruit? چرا تو هیچ میوه ای نخوردی؟

من نمی خواهم هیچ کدام از شما دو تا رفوزه شوید .

I don't want **any** of you to fail.

تبصره 1 : اگر هنگام سؤال انتظار جواب مثبت داشته باشیم جواب some است.

You look thirsty , do you want some water?

تبصره 2 : در جملات تعارفی some به any تبدیل نمی شود. مثال:

would you like **some** more tea? باز هم چای میل دارید؟

تبصره 3 : اگر اسم قابل شمارش مفرد به طور کلی نامعین باشد قبل از آن some به کار می بریم.

You should have a good command of english because **some day** , **some student** may ask you **some question** that you can't answer.

تو باید به انگلیسی مسلط باشی - چون یکروزی (نا مشخص) - یک شاگردی (نا مشخص) ممکن است یک سؤالی از تو بپرسد که نتوانی جواب بدهی.

تبصره 4 : any در جملات مثبت با اسم مفرد به کار رفته و تأکید کلمه هر می باشد.

برای نهار چی میل دارید؟ هر چی که تو دوست داشته باشی.

What would you like for lunch? Any thing you like.

« ضمایر نیمه مجهول »

some body	→	یک نفر - یک کسی
some one	→	یک نفر - یک کسی
some thing	→	یک چیز
some where	→	یک مکانی - یک جایی
some place	→	یک مکانی - یک جایی

اگر به جای some از every یا any استفاده کنیم خواهیم داشت:

every body	→	همه - همه کس
every one	→	همه - همه کس
every thing	→	همه چیز
every where	→	همه جا
every place	→	همه جا

اگر no را به جای some به کار ببریم این ضمایر منفی خواهند شد.

no body	→	هیچ کس
no one	→	هیچ کس
no thing	→	هیچ چیز
no where	→	هیچ جایی
no place	→	هیچ جایی

کلیه ضمایر گفته شده همانند سوم شخص مفرد عمل می کنند.

some body / every body / nobody / any body → works

اگر به این ضمائر گفته شده حالت ملکی تعلق بگیرد بعد از آنها 's خواهیم داشت و در صورتی که با else همراه باشد 's را بعد از آن خواهیم آورد.

Some body	$\left\{ \begin{array}{l} \text{اسم} + 's + \\ \text{اسم} + \text{else}'s + \end{array} \right.$
every body	
no body	
any body	

هر گاه ترکیبات some فاعل جمله باشند فقط و فقط با no منفی می گردند اما اگر فاعل نبودند دو منفی خواهند داشت یکی با no جمله مثبت و دیگری با any جمله منفی می آید.

Somebody knows him.

یک نفر او را می شناسد

Nobody knows him.

هیچ کس او را نمی شناسد.

He knows **somebody**.

او می شناسد یک نفر را

He knows **nobody**.

او هیچ کس را نمی شناسد

He doesn't know **anybody**.

او هیچ کس را نمی شناسد

1- آیا کسی تصمیم دارد چیزی بگوید.

Is anybody going to say anything?

2- دیروز کسی چیزی به من نگفت.

Nobody told me anything yesterday.

3- می خواهم همه این موضوع را بفهمند.

I want every body to understand this matter.

4- برادر یک کس دیگه ای یک چیز دیگه ای می گفت.

Some body's brother said some thing else.

Some body else's brother said some thing else.

5- ما تصمیم داریم از یک جای دیگه دیدن کنیم.

We are going to visit some where else.

اگر بخواهیم ترکیبات some را جمع ببندیم خواهیم داشت:

some body/some one some people یک کسانی → یک کسی

some thing some things یک چیزهایی → یک چیزی

some where/some place some places یک جاهایی → یک جایی

Else : در حالت جمع به other تبدیل می گردد. بنابراین خواهیم داشت:

some body else some other people کسان دیگری → یک کس دیگر

some one else some other people کسان دیگری → یک کس دیگر

some thing else some other things چیزهای دیگری → یک چیزی دیگر

some where else some other places جاهای دیگری → یک جای دیگه

some place else some other places جاهای دیگری → یک جای دیگه

اگر در حالت جمع به جای some از what استفاده شود حالت سؤالی خواهیم داشت.

what other people? چه کسان دیگه ای؟

what other things? چه چیزهای دیگه ای؟

what other places? چه جاهای دیگه ای؟

اگر ضمائر نیمه معین در حالت مفرد مورد سؤال قرار گیرند خواهیم داشت:

some body else / some one else → who else? دیگه کی

some thing else → what else? دیگه چی

some where else/ some place else → where else? دیگه کجا

نکته : به جای whom else از who else و به جای whose else از who else's استفاده می شود. مثال:

1- چه کسان دیگه ای را می خواهی برای شام دعوت کنی؟

What other people are you going to invite for dinner?

2- ماشین چه کس دیگه ای بیرون است؟

Who else's car is outside?

3- چه چیزهای دیگه ای او می داند؟

What other things does he know?

4- دیگه کی دوست داشت همراه تو به اینجا بیاید؟

Who else liked to come here with you?

5- برادر چه کس دیگه ای این موضوع رو می دونه؟

Who else's brother knows this matter?

« دو ملکیتی ها »

چون this و that و جمع آنها these و those را نمی توان با صفات ملکی به کار برد لذا از فرمول زیر که به آن دو ملکیتی گفته می شود استفاده می کنیم.

this, that, these, those + اسم + of + ضمائر ملکی 's

This book of Ali's.

This book of mine.

1- من این برادر تو را از قبل می شناسم.

I already know this brother of yours.

2- ممکنه اون کتاب انگلیسیت را قرض کنم؟

May I borrow those two english books of yours?

3- این پسر علی آقا همیشه ما را اذیت می کنه.

This son of Ali's always bothers us.

4- این دانش آموزان ما دوست دارند جملات فارسی بیشتری بنویسند.

These students of ours like to write more persian sentences.

5- یکی از دانش آموزان من می خواهد حقیقت را بداند.

One student of mine wants to know the fact.

6- این معلم ما گاهی اوقات به حرفهای ما گوش نمی دهد.

This teacher of ours sometimes doesn't listen to our words.

7- تعدادی از همکلاسیهای شما تصمیم دارند جمعه آینده به اینجا بیایند.

Some of your classmates decide to come here next Friday.

8- این برادر بزرگتر تو می تونه با اون دوست خوب من دوست بشه.

This elder brother of yours can make friends with that good student or friend of mine.

حالات ملکی: possessive forms

1- صفات ملکی

2- ضمایر ملکی

3- of و 's

4- **own**: به مفهوم داشتن - مالک بودن و صاحب بودن می باشد و همانند سایر افعال صرف می شوند.

His father **owns** a factory. پدرش مالک یک کارخانه است - کارخونه دار است.

I used to **own** a bicycle. من سابقاً یک دوچرخه داشتم.

تذکر: هر گاه کلمه خود صفت ملکی را تأکید کند آنرا به **own** ترجمه نموده و بعد از صفت قرار می دهیم.

whose car is it? ماشین کیه؟ that is my own car. ماشین خودمه

تذکر: **belong to**: به مفهوم متعلق بودن و تعلق داشتن است.

This fountain pen belongs to me. این خودنویس متعلق به من است

Whom does this fountain pen belong to? این خود نویس متعلق به کیست؟

رابطه دو جمله : Putting two sentences together

در انگلیسی دو جمله را با keep ربط می دهند در این حالت اگر جمله دوم سؤالی باشد کلمه (که) به (که آیا)

تبدیل می گردد که در انگلیسی آن را به if یا whether ترجمه می کنند.

« باید توجه داشت که بعد از این دو، جمله از حالت سؤالی خارج می گردد. »

در ضمن در آخر جمله فارسی یا نه به کار می برند که نیازی به ترجمه آن نیست و در صورت تمایل می توان آنرا

به (or not) ترجمه نموده و در آخر جملاتی قرار داد که از whether استفاده شده است (or not) می تواند

بعد از whether نیز قرار گیرد.

I want to know if you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether or not you will come here tomorrow on Friday.

I want to know whether you will come here tomorrow on Friday or not.

می خواهیم بدانم که آیا شما جمعه می آید اینجا یا نه؟ شما جمعه می آید اینجا یا نه؟

« جملات دو سؤالی »

الف (هر گاه از کسی با لغات استفهامی بپرسند و بنا به هر دلیلی مجبور شویم جمله سؤالی خود را تکرار کنیم در حالت تکرار مجموعه (گفتی - گفتید - فرمودید - ببخشید) وارد جمله می گردد که در انگلیسی آنها را به **did** **you say** ترجمه نموده و بعد از لغات استفهامی قرار می دهیم . لازم به تذکر است که **did you say** تأثیری بر زمان جمله ندارد.

مثال:

Where are you going? کجا داری می روی؟

Where **did you say**, you are going? گفتی کجا داری می روی؟

How much money do you have on you ? چقدر پول همراهت داری ؟

How much money **did you say** you have on you? گفتی چقدر پول همراهت داری ؟

ب) اگر از کسی سؤالی با لغات استفهامی بپرسیم و شنونده به جای جواب، سؤالی بر سؤال ما اضافه کند در فارسی از مجموعه « اگر گفتی » استفاده خواهیم کرد که در انگلیسی آن را به « **do you think** » ترجمه نموده و بعد از لغات استفهامی قرار می دهیم.

مثال :

Who is he ? او کیست؟

Who **do you think** he is? اگه گفتی او کیست؟

How old are you ? چند سالته ؟

How old **do you think** I am? اگه گفتی من چند سالمه ؟

بحث : « self »

1- هر گاه فاعل و مفعول جمله یک نفر باشند در فارسی از ، خودت ، خودم ، خودش ، خودمان ، خودتان ، خودشان ، ولی در انگلیسی از ضمایر زیر که به آنها « ضمایر انعکاسی » گفته می شود استفاده می کنیم.

Reflexive pronouns

ضمایر انعکاسی

مفرد	جمع
myself خودم	ourselves خودمان
yourself خودت	yourselves خودتان

مثال :

چرا خودت را معرفی نکردی؟

Why didn't you introduce **yourself**?

فکر می کنم دیوانه است داره با خودش حرف می زنه.

I think she is crazy, she is talking to **herself**.

2- اگر self ها ، مفعول جمله نباشند ، حالت تأکیدی داشته و می توانند در آخر جمله و یا بعد از فاعل قرار گیرند.

مثال :

تو خودت این حرف رو بهم زدی ؟

You told it to me, **yourself**.

You, **yourself** told it to me.

اونها خودشون ما را دعوت کردند.

They invited us **themselves**.

They **themselves** invited us.

3- هر گاه self ها مفهوم به تنهایی را داشته باشند قبل از آنها by اضافه می شود و در حالت تأکیدی « all by » را خواهیم داشت.

مثال : پسرم اینقدر بزرگ شده که خودش به تنهایی برود به مدرسه.

My son is old enough to go to school **by himself**.

مثال : تک و تنها نشسته دم در و داره گریه می کنه.

He is sitting at the door **all by himself** and crying.

4- هر گاه self ها همراه با حرف اضافه بوده و حالت انعکاسی نداشته باشند (یعنی خودشون مفعول جمله نباشد) در این حالت از ضمایر مفعولی باید استفاده کرد این قائده در مورد to و for صادق نیست.

I take the books with me/ ~~myself~~

she has some money on her/ ~~herself~~

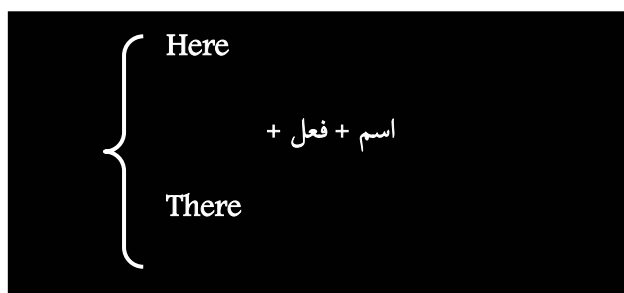
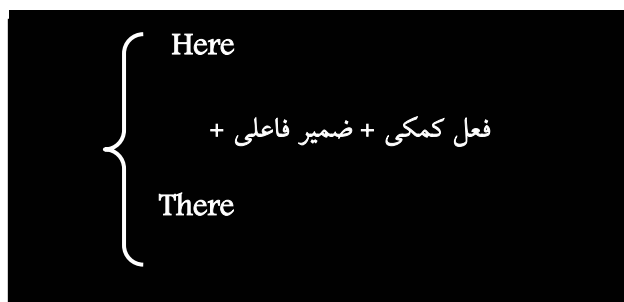
close the window behind you/ ~~yourself~~

she made address for **herself**

I read the text to **myself**

Here & There

here به مفهوم اینجا و there به معنای آنجا هر دو قید مکان جمله می باشند . برای تأکید می توان آنها را در اول جمله قرار داد در این حالت اگر فاعل ما اسم باشد فعل به قبل از آن منتقل می گردد.



مثال:

Here I am. (بله اینجا هستم - ایناهاشم)

Here you are. (بفرما - دیدی)

Here it is . (ایناهاش)

There they are. (اوناهاشن)

There are the children (اوناهاشن بچه ها)

Here comes the bus. (ایناهاش اتوبوس داره میاد)

There goes your fathre. (اوناهاش پدرت داره میاد)

« چند عبارت تعارفی »

Help your self: تعارف برای خوردن

you first: شما بفرمایید (دم در هنگام ورود)

after you: شما بفرمایید (دم در هنگام ورود)

ladies first: بفرمایید - خانمها اول - خانمها مقدمترند

please be seated: بفرمایید بنشینید

go on:/ go ahead بفرمایید ادامه دهید

who is speaking: بفرمایید شما کی هستید

there are از جمع و there is در حالت مفرد از
استفاده می شود. مثال:

یک خودکار توی جیبم است بیا برش دار.

There is a pen in my pocket , come and take it.

وقتی اوادم تو دو تا خودکار روی میزم بود.

When I came in, **there were** two pens on my desk.

یک کمی آب یخ توی یخچال است.

There is some cold water in the refrigerator.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- می خواهم بدونم که آیا تصمیم داری این خانه را بخری یا اجاره کنی؟
 - 2- از او بپرس که آیا می تونه یک مقداری پول بهت قرض بدهد؟
 - 3- مطمئن نیستم که آیا او همراه من به جلسه خواهد آمد یا نه ؟
 - 4- او خودش به تنهایی در این خانه کوچک زندگی می کند.
 - 5- ای کاش می توانستم خودم را همانطور که دیگران می بینند بینم.
- 1- I want to know whether you are going to buy or rent the house.
 - 2- Ask him if he can lend you some money.
 - 3- I'm not sure whether he will come to the meeting with me or not.
 - 4- He lives in this small home by him self.
 - 5- I wish I could see my self as others see me.

بحث « it »

هر گاه فاعل جمله بنا به هر دلیلی مشخص نباشد از ضمیر **it** به عنوان نائب فاعل استفاده می شود و موارد کاربرد آن عبارتند از:

1- آب و هوا:

مثال :

It is hot today.

It is cold today.

It was raining.

هوا بارانی بود.

It is sunny.

هوا آفتابی است.

2- قید زمان :

مثال :

Hurry up ! **it** is getting late .

عجله کن داره دیر می شه.

What time is **it** ? **it** is five to two.

ساعت چند است؟ ساعت 5 دقیقه مانده به 2 .

What time is **it** ? **it** is five to two.

3- مسافت :

مثال :

it is far.

دور است.

How far is **it** from here?

از اینجا چقدر دور است ؟

it is about 5 miles.

حدود 5 مایل است.

4- شناسائی و تشخیص هویت : مثال:

کی پشت در است ؟ باید علی باشد.

Who is **it** at the door? **It** must be Ali.

5- همراه با صفات :

مصدر + (مفعول + for) + صفت + **it + is / was / will be**

انگلیسی حرف زدن آسان است.

It is easy.

It is easy **to speak** English.

It is easy **for you to speak** English.

6- **it** در اصطلاحات مختلف به کار می رود مانند:

That is it خودشه

It is a pity : افسوس حیف شد

It pays well/ it is worth it: می ارزد - ارزشش را دارد

Be it so : آمین - اینطور بشه

take it easy: بی خیال - سخت نگیر

it is time: وقتشه

it makes no difference : فرق نمی کنه

it is no Use/ Good + فعل + ing

بی فایده است، فایده ندارد

It isn't up to you

به تو چه مربوط

It is none of your business

به تو چه مربوط

صرف یک فعل در 16 زمان

- | | |
|------------------------------|--|
| 1 I take. | حال ساده |
| 2. I am taking. | حال استمراری |
| 3. I have taken. | ماضی نقلی (حال کامل) |
| 4. I have been taking . | ماضی نقلی استمراری (حال کامل استمراری) |
| | |
| 1. I will take. | آینده ساده |
| 2. I will be taking. | آینده استمراری |
| 3. I will have taken. | آینده کامل |
| 4. I will have been taking. | آینده کامل استمراری |
| | |
| 1. I would take. | آینده در گذشته |
| 2. I would be taking. | آینده در گذشته استمراری |
| 3. I would have been taking. | آینده در گذشته کامل استمراری |
| 4. I would have taken. | آینده در گذشته، کامل |
| | |
| 1. I took. | گذشته ساده |
| 2. I was taking. | گذشته استمراری |
| 3. I had taken. | ماضی بعید - گذشته کامل |
| 4. I had been taking. | گذشته کامل استمراری |

« حروف اضافه مکان »

along -1 = به مفهوم در طول و در امتداد.

across = به معنای در عرض و آنطرف می باشد.

من از این سوی خیابان به آن سو رفتم.

I went **across** the street.

دیروز او را دیدم کنار خیابان قدم می زد.

I saw him walking **along** the street yesterday.

یک ساندویچ فروشی آنطرف خیابان است.

There is a sandwich shop **across** the street.

against -2 : به معنای بر علیه و بر خلاف و بر ضد و تکیه دادن بر چیزی می باشد.

They voted **against** us.

آنها بر خلاف ما رأی دادند.

It is **against** regulations.

بر خلاف مقررات است.

3- قبل از وسائط نقلیه و همینطور چهار طریقه مسافرت حروف اضافه **by** به کار می رود و در صورتیکه

قبل از وسائط نقلیه صفت ملکی و یا حروف تعریف داشته باشیم از **in** استفاده می گردد و در مورد اتوبوس **on** هم

صحیح است و در مورد حیوانات وسائط دو چرخ حرف اضافه **on** به کار می بریم.

By bus , **By** taxi , **By** car , **By** subway , **By** plane

By land , **By** sea , **By** air , **By** train (rail road)

in/on a bus

in the car , **in** my car

on a bicycle , **on** a horse

4- **inside : outside # inside** بیان کننده سطح و فضای داخلی می باشد و متضاد آن out side می

باشد.

داخل کلاس گرمتر از بیرون کلاس است.

It is hotter **inside** the class than **outside**.

در از داخل قفل است.

The door is locked from **inside**.

5- **in # out , into # out of**

in به معنای (در ، داخل ، توی) می باشد و وقتی به کار می رود که عملی در حرکت نبوده و اگر هم باشد اسم مکان ذکر نمی گردد و در صورت ذکر مکان از **into** استفاده خواهد شد. متضاد **in # out** و متضاد **into # out of** می باشد.

مثال :

the student are in class.

دانش آموزان توی کلاسند

come in.

بیا تو

go out.

برو بیرون

come into the class.

بیا توی کلاس

go out of the class.

از کلاس برو بیرون

با لباس پرید توی استخر و بچه ای را که داشت غرق می شد بیرون آورد.

He jumped **into** the pool with his clothes on and pulled the drowning boy **out of** the pool.

تذکر: برای مکانهای سر پوشیده و مایع و محصور **in** به کار می رود.

in the room , in the office

سر پوشیده

in the yard , in the garden

محصور

in the river , in the sea

مایع

تذکر: قبل از there ، here می توان in به کار برد.

Come in here.

بیا اینجا

Don't smoke in there .

اونجا سیگار نکش



to eat in.

در خانه غذا خوردن

to eat out.

بیرون خانه غذا خوردن

to be in.

در خانه بودن

to be out.

در خارج از خانه

to let in.

اجازه ورود

to let out.

اجازه خروج

to breathe in.

دم

to breathe out.

باز دم

at -6 : به مفهوم (کنار - نزدیک - دم) می باشد و در مورد table ، desk به معنی پشت است . مثال :

او نشسته دم پنجره و داره بیرون را تماشا می کنه.

He is sitting **at** the window and watching out.

بشین پشت میزت و درس بده .

Sit **at** your desk and teach.

نکته : مکان: in بزرگ - at کوچک

The plane will land **in** Tehran **at** Mehrabad airport.

نکته : سازمان: at بزرگ - in کوچک

He works **at** the oil company **in** accounting department.

تذکر: برای « office » که دو حالت دارد:

آقای جونز در یک جای اداره است ولی در دفترش نیست.

Mr Jones is somewhere **at** the office but not **in** his office.

on -7 : وقتی به کار می رود که چیزی بر روی چیز دیگری تماس داشته باشد.

مثال:

روی زمین ننشین ، بنشین روی صندلی.

Don't sit **on** the floor ! sit **on** the chair.

-8 over & above :

هر دو وقتی به کار می روند که چیزی بر بالای چیزی دیگر بدون تماس قرار گرفته باشد با این تفاوت که over

حالت عمود اما above غیر عمود می باشد.

و متضاد over # under و above # below می باشد.

مثال 1 : اسم را باید کجا بنویسیم بالای خط یا پایین خط؟

Where should I write my name? **over** the line or **under** it .

مثال 2 : چهار تا لامپ بالای سر ما است.

There are four lights **above** our heads.

مثال 3 : زیر پایت چیه ؟

What is it **under** your foot

حال کامل (ماضی نقلی) :

تعریف : این زمان دلالت بر انجام عملی را می نماید که در گذشته شروع و حال که راجع به آن صحبت می کنیم اثر و نتیجه آن باقی و مشخص است .

علامت این زمان در زبان فارسی :

A : طول مدت زمان با کلمه « است » همراه جملات حال ساده علامتی از این زمان در فارسی می باشد. در این حالت کلمه است به انگلیسی ترجمه نشده و قبل از طول مدت زمان، For بکار می بریم که به فارسی ترجمه نمی شود.

طول مدت زمان + است + حال ساده ← حال کامل

مثال:

I have known him **for** two years. دو سال **است** که او را می شناسم.

He has had this car **for** five years. 5 سال **است** که او این ماشین را دارد.

B : وجود کلمه « از » در اول قید زمان گذشته و مجموعه « تا حالا » همراه با جملات حال ساده علامت دیگر این زمان در فارسی است. در این حالت مجموعه تا حالا به انگلیسی ترجمه نشده و کلمه (از) را به **since** ترجمه کرده و قبل از قید زمان به کار می بریم.

از + قید زمان گذشته + تا حالا + حال ساده ← حال کامل

مثال : او از ساعت 2 تا حالا اینجاست.

He has been here **since** two o'clock.

مثال : از هفته پیش تا حالا مدرسه نمی رود.

He hasn't gone to school **since** last week.

C: وجود (ام - ای - است - ایم - اید - اند) بعد از اسم مفعول فعل فارسی علامت دیگر این زمان می باشد.

مثال:

I haven't notified them.

من به آنها اطلاع نداده ام .

نشانه های این زمان

for - 1

طول مدت زمان + **for**

for two weeks.

دو هفته است

طول مدت زمان + **for the last/ past**

for the last two weeks.

از دو هفته پیش تا حالا

2. **since** :

قید زمان گذشته + **since**

since yesterday

از دیروز تا حالا

قید زمان + last + since

since last week

از هفته پیش تا حالا

3- since / since then/ever since : از آن موقع تا حالا

دو هفته پیش رفته انگلیس از آن موقع تا حالا از او خبری ندارم.

He left for England two weeks ago and I haven't heard from him since/ since then/
ever since.

4.

(I) گذشته ساده + since + ماضی نقلی

(II) گذشته ساده + since + قید زمان + it is

در فرمول (I) اگر قبل از since قید زمان بود فرمول به (II) تبدیل می شود.

مثال : از وقتی این ترم را شروع کردیم سه ماه می گذرد.

It has been three months **since** we started this term.

It is three months **since** we started this term.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- از وقتی که دوستش مرد تا حالا خیلی ناراحته.
- 2- دو ترم است انگلیسی می خوانیم ولی نمی توانیم انگلیسی صحبت کنیم.
- 3- او از صبح تا حالا هیچ چیزی نخورده است.
- 4- سه سال است او در این مدرسه ریاضیات تدریس می کند.
- 5- یک ساعت و نیم است که او اینجاست.

- 1- He has been very upset since his friend died.
- 2- We have studied English for two terms but we can't speak.
- 3- He hasn't eaten anything since morning.
- 4- He has taught mathematics in this school for three years.
- 5- He has been here for an hour and a half.

5. **recently- lately** : هر دو به مفهوم اخیراً - تازگی ها - قبل از p.p و یا انتهای جمله به کار می رود.

مثال:

او اخیراً یک ماشین نو خریده است.

He has **recently / lately** bought a new car.

6. **ever-never** : هر دو به مفهوم هرگز - اصلاً - ابداً - تا کنون - قبل از p.p قرار می گیرند با این تفاوت که

ever در جملات سؤالی و منفی اما never در جملات مثبت به کار رفته و مفهوم آنها را منفی می کند.

مثال : آیا تا کنون به انگلستان رفته ای ؟ نه هرگز به آنجا نرفته ام.

Have you **ever** been to England ?

No, I haven't **ever** been to England.

No, I have **never** been to England.

7. هر گاه مجموعه تا حالا به طور تنها به کار رفته باشد آن را به یکی از عبارات زیر ترجمه نموده و در آخر ماضی

نقلی به کار می بریم.

So far

by now

up to now

up till now

up to the present time.

I have reviewed this lesson twice **so far**.

8. **already** : قبل از p.p و یا آخر جمله به کار رفته و دلالت بر عملی می کند که قبل از انتظار و خواست ما

انجام شده است.

مثال : ما دیر رسیدیم زنگ خورده است.

We are late , the bell has **already** gone/ rung.

9. **just** : به مفهوم همین الان – چند لحظه پیش – الساعه – قبل از p.p به کار می رود.

مثال :

من همین الان کارم را به اتمام رساندم.

I have **just** finished my work.

10. **yet**: به مفهوم « یا نه » آخر جملات سؤالی و به مفهوم هنوز آخر جملات منفی به شرط آنکه فعل کمکی و

not مخفف شده باشد و اگر مخفف نشده بود بعد از not به کار می رود.

مثال:

آیا تو به آنها اطلاع داده ای یا نه؟

Have you notified them **yet** ?

نه من هنوز به آنها اطلاع نداده‌ام.

No, I haven't notified them **yet**.

No, I have not **yet** notified them.

11. **yet**: به معنای فعلاً- حالا نه - در آخر امر منفی به کار می رود مثال:

don't do that **yet**.

فعلاً اون کارو نکن.

don't tell them anything **yet**.

فعلاً چیزی به آنها نگو.

12. **still**: به مفهوم هنوز - هنوز هم - باز هم - باز هم در جملات ساده مثبت و سؤالی قبل از فعل اصلی و بعد

از افعال کمکی به کار رفته و دلالت بر عملی می نماید که از گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد.

نکته: در جملات منفی **still** به **anymore/ any longer** تبدیل شده و در آخر جمله قرار می گیرد.

مثال:

I used to study English.

Do you **still** study English.

No , I don't study English **anymore/any longer**.

« ماضی بعید » (گذشته کامل)

تعریف: هر عملی که قبل از یک گذشته ای اتفاق افتاده باشد گذشته دور و یا ماضی بعید می گویند.

علامت این زبان در فارسی :

A : طول مدت زمان با کلمه « بود » همراه جملات گذشته ساده علامتی از این زمان در فارسی می باشد در این حالت کلمه « بود » به انگلیسی ترجمه نشده و قبل از طول مدت زمان for به کار می بریم که به فارسی ترجمه نمی گردد.

: A

طول مدت زمان + « بود » + گذشته ساده ← گذشته کامل	در فارسی
--	----------

طول مدت زمان + <u>For</u> + گذشته کامل	در انگلیسی
--	------------

مثال 1 : دو سال بود او را می شناختم.

I had known him for two years.

مثال 2 : وقتی او را بردیم دکتر سه روز بود چیزی نمی خورد.

He hadn't eaten anything for three days when we took him to the doctor.

B : وجود (بودم - بودی - بود - بودیم - بودید - بودند) بعد از اسم مفعول فعل فارسی ، علامت دیگر این زمان است.

مثال 1/ : او گفت که قبلاً به شما اطلاع داده بود.

He said (that) he had notified you before.

مثال 2/ : فکر کردم که تو همه چیزها را فهمیده بودی.

I thought (that) you had understood every thing.

طرز ساخت: برای ساختن این زمان در انگلیسی از فرمول زیر استفاده می شود.

فرمول کلی :

Subject + had + past participle

نشانه های این زمان :

گذشته ساده + **when/before** + گذشته کامل

I had gone **when/ before** you came in من رفته بودم وقتی که تو آمدی تو.

گذشته کامل + **after** + گذشته ساده

I come in **after** you had gone. من آمدم تو بعد از آنکه تو رفته بودی .

گذشته کامل + **since** + گذشته کامل

You had gone **since** I had arrived. از وقتی که من رسیده بودم تو رفته بودی.

از وقتی که رفوزه شده بودم امتحانی هم نداده بودم.

I had taken no examination since I had failed.

